

پیکار جوانان

نشریه عمومی



جنبش انقلابی جوانان افغانستان

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

دور دوم شماره دوازدهم اسد / سنبله ۱۳۸۸ (اگست ۲۰۰۹)

فهرست مطالب مندرج در این شماره :

آنچه را که باید در مورد انتخابات دور دوم ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی رژیم بدانیم

قدر مسلم است که انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی در کشور مستعمره - نیمه فئودال افغانستان که قوت های اشغالگر امپریالیستی سرنوشت کشور و مردمان کشور را در دست گرفته ، استقلال سیاسی ، آزادی و حق تعیین سرنوشت مردمان آنرا سلب نموده و مردم آنرا

انتخابات امپریالیستی - ارتجاعی ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی رژیم دست نشانده را با قدرت و توانمندی تحریم کنیم!

این اعلامیه به مناسبت تحریم انتخابات دور دوم رژیم پوشالی از طرف جنبش انقلابی جوانان افغانستان در سرتاسر کشور به صورت وسیع و گسترده پخش گردید که درین شماره به چاپ مجدد آن اقدام نموده ایم.

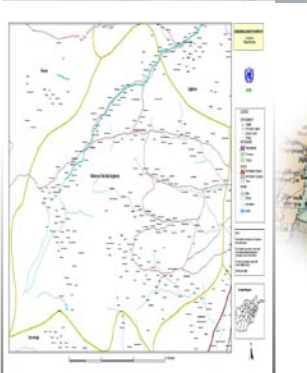
باید که تحریم نماییم (شعر) ۶ صفحه

بیست و هشتم اسد سالروز استرداد استقلال وطن را گرامی میداریم

(اعلامیه جنبش انقلابی جوانان افغانستان) ۷ صفحه

گزارش کوتاهی از ولایت غزنی

عدم اداره سالم ، رشوت ، قاچاق مواد مخدر ، بی نظمی و صدها موارد دیگر از عمده ترین خصایص دولت دست نشانده به شمار میرود . همه موارد فوق حکایتی است از یک دولت دست نشانده و پوشالی ، بی قانونی و زورگویی در درون این نظام یکی از چالشهای عمده ای است که خود رژیم



آنچه را که باید در مورد انتخابات دور دوم ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی رژیم بدانیم

آرزم

"انتخاباتی" از طریق رسانه ها به تاریخ ۳۱ ثور ۱۳۸۸ رسماً اعلام نمود و یاد آور شد که ۱۱۰ مورد این تخطی ها توسط نامزدان شوراهای ولایتی به دلیل دست داشتن با گروههای مسلح مخالف رژیم و ۳۶ مورد دیگر این تخطی ها توسط نامزدان ریاست جمهوری دوردوم، صورت گرفته است که بالاترین رقم تخطی مربوط به شخص کرزی میشود. طبق اسناد و شواهد کمیسیون از مجموع ۳۶ نمونه تخطی نامزدان ریاست جمهوری ۱۹ مورد آن از طرف باند انتخاباتی کرزی بوقوع پیوسته که این تخطی ها ثبت کمیسیون رسیدگی به شکایات نیز گردیده است.

"گران کپین" رئیس کمیسیون رسیدگی به شکایات به تعقیب اعلام داشت که بر علاوه ۱۴۶ مورد تخطی که فوقاً بیان گردید ۳۰۲ مورد تخطی دیگر از طرف مردم به این کمیسیون ارجاع داده شده که بیشترین تخطی و اعتراضات علیه حامد کرزی مطرح شده است.

موضوع بعدی که روی دست گرفته شد رد صلاحیت ۵۷ تن نامزدان ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی رژیم بود که از آن جمله سه نامزد ریاست جمهوری و ۵۴ نامزد شورای ولایتی از طرف کمیسیون به اصطلاح مستقل انتخابات رد صلاحیت گردیدند و تعداد نامزدان ریاست جمهوری از ۴۴ به ۴۱ تقلیل یافتند.

تعداد ۷ تن از نامزدان ریاست جمهوری دیگر صحنه را ترک کردند و استعفای خود را به کمیسیون به اصطلاح مستقل انتخابات پیش نمودند.

بی بی سی در گزارش خبری خود به

از یک بازی فریبکارانه و قلدرمنشانه امپریالیستی - ارتجاعی به حساب رود. از ۵ ثور ۱۳۸۸ که ثبت نام نامزدهای این بازی نمایشی و فریبکارانه آغاز یافت، ۴۴ تن خود را به عنوان نامزد ریاست جمهوری دور دوم و ۳۳۲۴ نفر خود را بعنوان نامزد شورای ولایتی ثبت نام نمودند که کمیسیون به اصطلاح مستقل انتخابات (IEC) این مسئله را رسماً اعلام نمود و بالاخره با گردهمائی روز دوشنبه مورخ ۲۶ اسد ۱۳۸۸ پایان رسمی این پروسه را اعلام کرد. این کمیسیون که ساخته و پرداخته امپریالیستهای اشغالگر میباشد به تاریخ ۱۹ جولای ۲۰۰۵ تشکیل گردید که ۹ نفر عضو دارد. رئیس این کمیسیون عزیزالله لودین و معاون آن جنرال ایوب اصیل میباشد و یک نفر خارجی بنام "گران کپین" رئیس کمیسیون رسیدگی به شکایات هست که در ارتباط تنگاتنگ با شکایات ارائه شده به کمیسیون کار میکند و نقش اصلی در پروسه انتخابات جاری را دارد. امپریالیستهای اشغالگر امریکایی بواسطه این کمیسیون انتخابات رژیم پوشالی را تحت کنترل خویش دارند و ازین طریق مطابق میل شان به آن سرو سامان میدهند.

وقتی به تاریخ ۲۵ جوزای ۱۳۸۸ مبارزات کاندیداتوران به اصطلاح انتخاباتی در افغانستان علناً شروع گردید، طشت رسوائی شان بصدا درآمد. اولین مسئله رسوائی شان، ارائه ۱۴۶ مورد اعتراض در مورد تخطی های انتخاباتی نامزدان بود که کمیسیون رسیدگی به شکایات مبارزات

قدر مسلم است که انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی در کشور مستعمره - نیمه فئودال افغانستان که قوت های اشغالگر امپریالیستی سرنوشت کشور و مردمان کشور را دردست گرفته، استقلال سیاسی، آزادی و حق تعیین سرنوشت مردمان آنرا سلب نموده و مردم آنرا به بردگی کشانیده است، یک خیمه شبازی عوامفریبانه و کاذبانه ای بیش نیست. چنین انتخاباتی حتی پرده ساتری بر استبداد حاکم اشغالگران و رژیم مزدور نیز نمیتواند تلقی گردد، بلکه صریح و روشن یک مضحکه رسوا و فاقد حیثیت است.

یکی از جوانب مهم این رسوائی و بی حیثیتی، تقلبات بی پرده و وسیعی است که در جریان این انتخابات و قبل از آن در جریان توزیع کارتهای انتخاباتی صورت گرفته است. جانب دیگر قضیه جنگ تجاوزکارانه اشغالگران امپریالیستی اضلاع متحده امریکا میباشد که در جریان بیش از هفت سال تحت حاکمیت رژیم پوشالی بر مردمان این خطه تحمیل گشته است. ضمن آن مقاومت ارتجاعی طالبان در سطح کشور پروسه به اصطلاح انتخابات رژیم را توانست کم رنگ بسازد.

مصرف ۲۴۴ میلیون دالر برای پروسه به اصطلاح انتخابات و تهیه و تدارک لوازم انتخاباتی توسط نیروهای اشغالگر امپریالیستی در شرایط حضور ۳۰۰ هزار نیروی نظامی مرکب از نیروی های امپریالیستی و نیروی های مزدور داخلی برای تامین به اصطلاح انتخابات آزاد، نمیتوانست چیزی جز،

صندوق ها توسط DFC های مسئول در هر حوزه به نفع کرسی برگردیده و به مراکز انتقال داده شده است. همچنان آتش زدن یک مرکز رای دهی توسط طالبان در یکی از ولسوالی های ولایت کتر، سوختاندن تمامی صندوق های رای و کشته شدن تعدادی از مسئولین حوزه انتخاباتی، خود نشاندهنده عدم تامین امنیت انتخابات جاری میباشد. بر علاوه در مناطق پشتون نشین، میزان مشارکت زنان در انتخابات را می توان غیر قابل محاسبه بر آورد کرد؛ طوریکه در شهر "شرنه" اکثر مردان آرای زنان خود را نیز

در مناطق پشتون نشین جنوب و جنوب شرق کشور یعنی ولایات هلمند، قندهار، ارزگان، زابل، پکتیکا، خوست، پکتیا، ننگرهار، لغمان، کنرها و مناطق پشتون نشین ولایات کاپیسا، وردگ، غزنی و لوگر گزارش شده است، میزان مشارکت مردم درین انتخابات کاملاً کم رنگ تر از دوره اول ریاست جمهوری بوده ویا اینکه در بیشتر مناطق اصلاً مردم در انتخابات شرکت نورزیده بودند. همچنان گزارشات نشان میدهد که در ولایت بغلان ۷۰ مورد تخطی جدی بوقوع پیوسته است. به این اساس تمامی

تاریخ ۲۷ اسد، درست ۲ روز قبل از انتخابات اعلام داشت که بیش از هزاران کارت رای دهی به معرض فروش گذاشته شده و برای خرید آرای مردم هزاران دالر به مصرف رسیده است.

آژانس خبری پژواک در گزارش خبری خود به تاریخ ۴ جوزای ۱۳۸۸ یادآور شد که مردم بنام ختم قرآن در محافل حمایت از نامزدهای ریاست جمهوری دعوت میشوند، در حالیکه هیچگونه انگیزه اشتراک درین محافل از طرف مردم دیده نشده است؛ اما رسانه های جمعی به پخش تصاویر تلویزیونی پرداختند و آنرا حمایت مردم از نامزد مورد نظرشان اعلام داشتند. گزارش آژانس خبری پژواک حاکی از آنست که به همین تاریخ در هوتل گلزاد شهر کابل مردم بنام اشتراک در ختم قرآن خبر شده بودند، اما زمانیکه به آنجا رفتند با محفل حمایت از داکتر عبدالله روبرو گشتند.

آژانس خبری نوای افغانستان در گزارش خبری خود به تاریخ ۱۰ سرطان ۱۳۸۸ اعلام داشت که در کمپاین های انتخاباتی کرسی مبلغ ۵۰۰ افغانی پول نقد برای هریک از اشتراک کنندگان در کمپاین تادیه میشود و بدین اساس تلاش دارند، مردم را در کمپاین خود جمع نموده تا حضور خود را گسترده نشان دهند.

همچنان رسانه ها از توزیع کارت رای دهی به اطفال گزارش میدهند که این مسئله خود نیز سرو صدائی را ایجاد نموده است. پاک شدن رنگ، کارت های تقلبی و جعلی (طوریکه در عکس مشاهده میکنید)، بسته بودن بیش از ۶۰۰ مرکز رای دهی و گزارشات رسیده مبنی بر تقلبات وسیع به نفع کرسی و دیگر کاندیدان همه و همه بیانگر عمق تقلبات جاری در پروسه انتخابات دور دوم است. طوریکه از ساحات مختلف

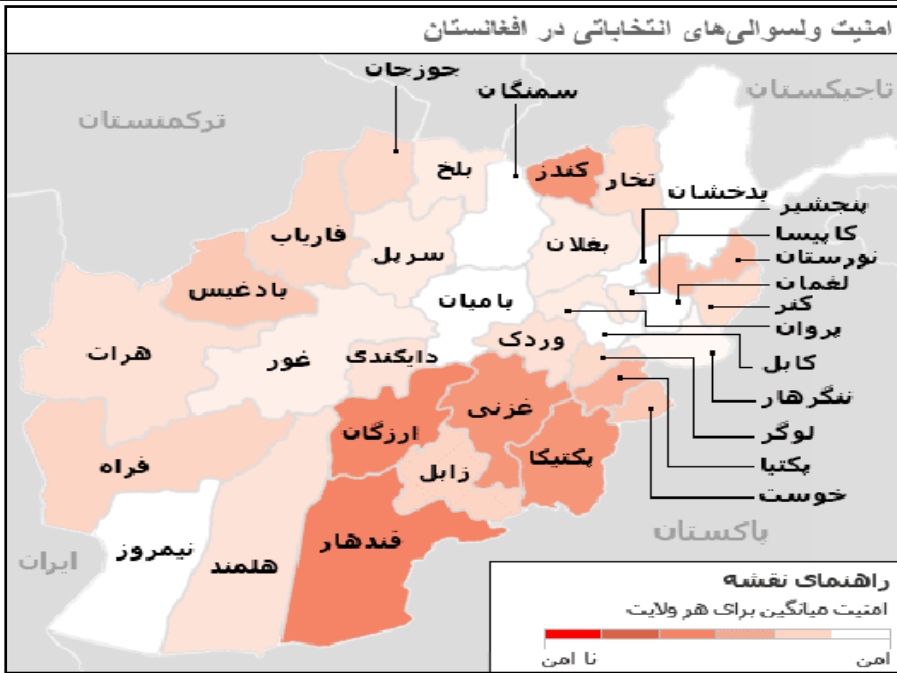
The image shows three examples of Afghan National ID cards. The top two are 'Kart-e-Naqly' (Transferable) and 'Kart-e-Avly' (Original). The bottom one is another 'Kart-e-Naqly'. Red circles highlight the following fields:

- Top Left (Kart-e-Naqly):** Name (اسم / تخلص), National ID Number (شماره ملی), and Date of Birth (تاریخ تولد).
- Top Right (Kart-e-Avly):** Name (اسم / تخلص), National ID Number (شماره ملی), and Date of Birth (تاریخ تولد).
- Bottom (Kart-e-Naqly):** Name (اسم / تخلص), National ID Number (شماره ملی), and Date of Birth (تاریخ تولد).

استعمال مینمودند. درین زمینه آژانس خبری پژواک چنین گزارش میدهد: "از جمله این افراد، یکتن که آرای ۱۰ تن از زنان فامیل خود را استعمال نموده، به تاریخ ۲۹ اسد به آژانس خبری پژواک گفت که کمیسیون مستقل انتخابات به آنها اجازه داده است، تا آرای زنان را استعمال کنند". در اکثر مناطق خود کارکنان انتخابات، گاهی به تنهایی و

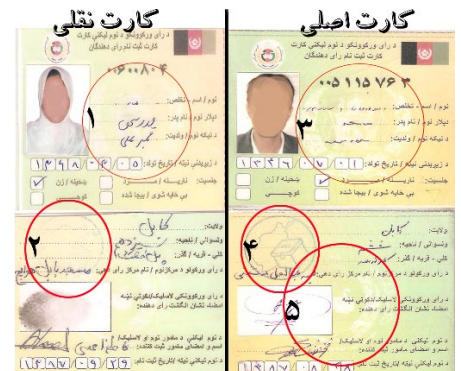
This is a sample of an Afghan National ID card (Kart-e-Naqly). Red boxes highlight the following fields:

- Field 1:** Name (اسم / تخلص)
- Field 2:** National ID Number (شماره ملی)
- Field 3:** Date of Birth (تاریخ تولد)



گاهی در همدستی با "دوستان" خارجی شان صندوق های رای گیری را پر نموده و به مراکز جمع آوری صندوق ها انتقال می دادند. علاوه بر این تهدید، خریدن رای از طریق پول و ترتیب دادن مهمانی های مجلل و رشوه دهی به ملاهای مساجد و تکیه خانه ها نیز عام بوده و در همه نقاط کشور به شمول شهر کابل بدون هیچ پرده پوشی رواج داشته است.

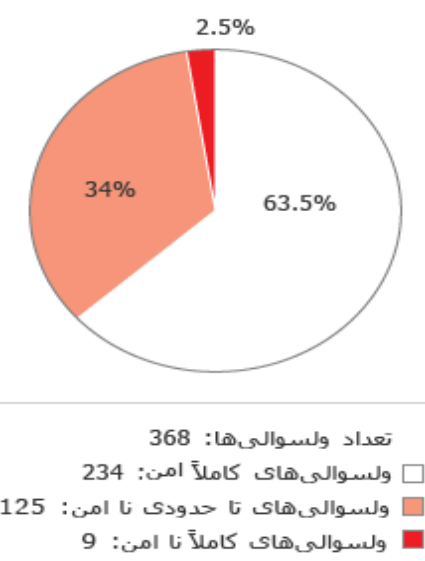
عکس کارت تقلبی که به دستمان رسیده، نمونه ای است از تقلبات انتخاباتی پروسه انتخابات امسال که میان صدها تن از اهالی کابل توزیع گردیده است. اگر کارت اصلی و جعلی را مقایسه نمایم، دایره های شماره ۱ و شماره ۳ نشان دهنده استفاده از رنگ سفید مخصوصی است که در آن بکار رفته است و در بیرق افغانستان نیز دیده



میشود.

نامانی ها در روز انتخابات خود موضوع دیگری بود که توانست انتخابات را به چالش بکشد، به این دلیل بود که دولت به توقیف وسایل خبرنگاران اقدام نمود و در روز انتخابات به دستگیری چندین گزارشگر خارجی و داخلی پرداخت. اصابت راکت به مراکز رای دهی ولایت هلمند، سه انفجاری در پی در پی در شهر کابل، درگیری پولیس در شاه شهید کابل با گروه های مسلح، اصابت راکت ها در ولایت قندوز، اصابت راکت در ولایت قندهار، دستگیری دو نفر انتحاری در ولایت گردیز و مرکز ولایت پکتیا

ولسوالی های انتخاباتی در افغانستان



و غیره حوادثی که اجازه ثبت آن برای گزارشگران داده نشده بود، همه این حوادث تأثیرات خود را به نحوی از انحاء روی انتخابات جاری قرار داد. چند روز بعد از انتخابات در یک نشست خبری که وزیر داخله، وزیر دفاع و رئیس امنیت ملی رژیم با خبرنگاران انجام دادند: مجموع خشونتها در سراسر افغانستان را به ۱۳۹ مورد ابراز نمودند و همچنان آماری از تلفات را ارائه دادند که در روز انتخابات ۲۷ تن کشته (۱۸ نظامی و ۹ غیر نظامی) و ۵۲ تن زخمی (۲۹ نظامی

و ۱۳ ملکی) شدند. همه این حکایات کافی است تا پروسه به اصطلاح انتخابات را زیر سوال برد. فردای روز "انتخابات"، کمیسیون رسیدگی به شکایات اعلام نمود که: "بیش از دو هزار ادعای تقلب و تخطی در جریان انتخابات و در جریان شمارش آراء ثبت شده است که ازین میان اگر ۵۶۷ مورد آن ثابت شود میتواند نتیجه انتخابات را تحت تأثیر قرار داده و آنرا به دور دوم بکشد." (۳۰ اسد ۱۳۸۸) چند تن از کاندیدان ریاست جمهوری نیز این گزارش را تایید کرده اند. داکتر عبدالله نامزدی که رقیب اصلی کزری محسوب میشود به بی بی سی گفت: که صندوقهای رای از راه غیرقانونی با هزاران برگه رای دهی پر شده و به مراکز ولایات انتقال داده شده است، وی این اتهام را به دولت نسبت داده و اضافه نمود که احتمال سازماندهی آن از طریق خود دولت صورت گرفته باشد. اما حقیقتاً میزان تقلبات آنچنان وسیع و گسترده میباشد که میتوان بیشتر از نصف آراء ریخته شده به صندوق ها را متقلبانه محاسبه نمود.

به هر حال این انتخابات به روشنی و شفافیت انجام می‌دهد و این عکس
صراحت نشان داد که اکثریت قاطعی از مردمان افغانستان، با بازی های
فریبنده اشغالگران و دست نشانندگان باید قاطعانه بپاخاست و برای
بسیج توده ها کوشید و خود را هر چه بتوان تر برای برپائی و پیشبرد مقاومت
ملی، مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی آماده نمود.

انتخابات امپریالیستی - ارتجاعی ریاست جمهوری

و شوراهای ولایتی رژیم دست نشانده را با قدرت و توانمندی تحریم کنیم!

هموطنان عزیز!

طوری که اطلاع دارید رژیم دست نشانده می‌خواهد به تاریخ ۲۹ اسد ۱۳۸۸، دومین دور انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی اش را برگزار نماید.

انتخابات در کشوره مستعمره و تحت اشغالی مانند افغانستان، بزرگترین فریب و نیرنگی است که برای اغوای توده های مردم بلا کشیده ما بکار گرفته میشود. کشور ما طی هفت سال حاکمیت رژیم دست نشانده هر چه بیشتر به مفاک فقر و فلاکت فرو رفته و مصائب بیشمار و بی مانند هر روز دامنگیر مردم آن می شود. فقر، گرسنگی، بی کاری، آواره گی، فحشاء و صدها مصائب دیگر بطور روزمره در کشور گسترش می یابند و بر وسعت جنایات مانند قتل، بی امنیتی، تجاوز و هتک حرمت هر روز افزوده می شود. با تمام این وضعیت اسفبار توده های مردم و عمق جنایات جاری در کشور، وطن فروشان و خائنین ملی سر گرم بازی های انتخاباتی شان هستند. برگزاری این خیمه شب بازی و صرف ملیون ها دالر در تبلیغات انتخاباتی در عین بی خانمانی مردمان کشور، چیز دیگری جز نمک پاشیدن بر زخم های دیرینه مردم نمی تواند باشد. ما نباید از عناصر خود فروخته و خائنین ملی انتظار بیشتر از این را داشته باشیم. انتخابات مضحکه آمیز ۵ سال قبل که توسط اشغالگران امپریالیست به ویژه امریکا سر و سامان داده شد، ماهیت انتخابات نوع امریکایی را به ما نشان داد که چیزی نبود جزء مشروعیت بخشیدن به رژیم دست نشانده و مردمی نشان دادن آن.

انتخابات دور دوم ریاست جمهوری رژیم دست نشانده و شوراهای ولایتی آن نیز برنامه ی است که در اصل توسط اشغالگران امپریالیست به سردمداری امپریالیزم اضلاع متحده امریکا رویدست گرفته شده است و در خدمت تحکیم موقعیت اشغالگران آنها قرار دارد و به بیان دیگر این انتخابات برای تداوم و تحکیم حالت مستعمراتی افغانستان برنامه ریزی شده است.

"جنبش انقلابی جوانان افغانستان" قویا باورمند است که باید انتخابات ریاست جمهوری و سایر اشکال انتخابات امپریالیستی - ارتجاعی را، هم از لحاظ استراتژیک و هم از لحاظ تاکتیکی تحریم نماید، چون هر گونه نظامی که تحت چنین شرایطی بوجود آید فقط و فقط میتواند چهره کریه استبداد امپریالیستی - ارتجاعی حاکم بر جامعه را بپوشاند و نظام سر و دم بریده ای بیش نباشد.

"جنبش انقلابی جوانان افغانستان" از تمامی مردم میهن دوست و ستمدیده کشور میطلبد که به پای صندوق های رای این بازی فریبکارانه و نمایشی امپریالیستی - ارتجاعی نروند و با قاطعیت تمام این روند به اصطلاح انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی را تحریم کنند.

ما از تمامی نیروها و شخصیت های انقلابی، ملی و دموکرات و توده های پیشرو کشور می‌خواهیم که فعالانه به کارزار تحریم این انتخابات امپریالیستی - ارتجاعی بپیوندند.

به پیش در راه تحریم هر چه قاطعانه تر دور دوم انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی رژیم پوشالی!

به پیش در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی، مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده شان!

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

۲۳ اسد ۱۳۸۸

باید که تحریم نماییم

شاعر
۲۲ اسد ۱۳۸۸

باید که به یک صدا بگوییم:
تحریم،
تحریم،

تحریم،

این دولت دست شانده چه میخوهد ازین کار؟
جزء فقر وفلاکت چه ثمر داد دگر بار؟

مردم همه را بند اسارت کشانید

تسلیم طلبان را به زعامت دوانید

این توده مظلوم که ندارد پناهی

آسوده نباشد صباحی، صباحی

قانون شکنی، جبر و ظلمت شده حاکم!

برفرش وطن خیمه زده

حلقه زده

رخنه نموده جرایم؟

اشغالگری!

ظلم و فجیعت شده قایم!

میهن فروشی و خیانت شده حاکم!

درکشور اشغال شده ما، به حدی

از هر طرفی رخنه نموده تعدی

اشغالگران هر چه بخواهند توانند!

مظلوم کشی، ظلم و فجیعت نمایند!

دولت شده جابر، برین توده مظلوم

هرگز ندهد حق!

چون،

خود شده مظنون!

باید که تحریم نماییم

این بازی مهلک زده جاری و حاکم

باید که تحریم نماییم

این ظلم و تعدی که بر ما شده قایم

باید که تحریم نماییم

هر خائن ملی

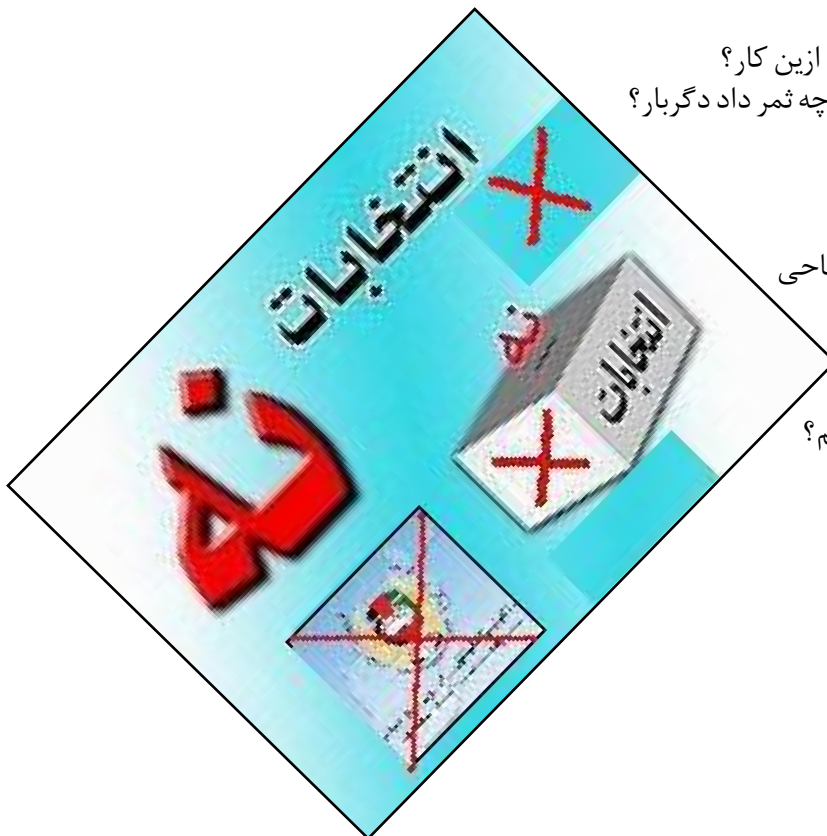
هر چاکر دیرین

هر شکل و شمایل

هر تهفه ارسال شده لشکر یانکی

باید که تحریم نماییم

این بازی بی پرده یک مشت خوانین



بیست هشتم اسد سالروز استرداد استقلال وطن را گرامی میداریم

بیست و هشتم اسد ۱۳۸۸ خورشیدی مصادف است با نودمین سالروز استرداد استقلال افغانستان از دست استعمار پیر انگلیس، ازینرو باید به استقبال هرچه پرشکوه تر این روز مهم تاریخی برویم و یاد جانبختگان راه آزادی و استقلال را گرامی بداریم.

امسال ۲۸ اسد در شرایطی فرا می رسد که از یک طرف ادعاهای هفت ساله بازسازی کاذبانه امپریالیستی کدام ثمره ائی جز فقر، بیچاره گی و بیکاری برای توده های مردم نداشته و ادعاهای مبارزه با تروریسم چیزی جزء کشتاردسته جمعی و بمباران وحشیانه مردم اهالی بی گناه نبوده و دموکراسی و آزادی امریکائی چیزی جزء استبداد امپریالیستی - ارتجاعی و اشاعه فرهنگ برده گی برای مردمان همراه نداشته است؛ از طرف دیگر فزایش ۲۹ اسد روز برگزاری انتخابات سرکاری رژیم میباشد که هدف آن جزء فریب و اغوای توده های مردم نمی تواند باشد. امروز بعد از سپری شدن ۹۰ سال از بازپس گیری استقلال کشور از دست متجاوزین انگلیسی باردیگر اخلاف امریکایی و انگلیسی (مکناتن ولادبرنس) بعد از رانده شدن اسلاف شان ازین مرزوبوم، مجددا بر گشته اند تا از موقعیت اشغالگرانه، برای تحکیم سلطه و پیش روی های بعدی استعمارگرانه و نو استعمارگرانه شان در افغانستان، منطقه و جهان چه بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم استفاده نمایند.

آنچه را که پیشینه تاریخی افغانستان نشان میدهد این است که در سراسر تاریخ کشور، مقاومت ها و دلاوری ها علیه اشغالگران و متجاوزین امپریالیستی پیوسته با جنبش جوانان عجین بوده است و نیروی عمده این مبارزات دلاورانه در خط مقدم جبهه و پیشروی به سوی تامين استقلال سیاسی کشور از جنگال اشغالگران و دولت های دست نشانده شان را جوانان تشکیل داده است و بار سنگین این مبارزات را جوانان به دوش کشیده اند. چنانچه مقاومت علیه استعمار انگلیس و به تعقیب آن مقاومت جانانه علیه تجاوز و اشغالگری سوسیال امپریالیزم شوروی خود دو نمونه برجسته ازین فداکاری ها و مبارزات جوانان افغانستانی بوده است، اما متأسفانه ضعف مفرط جنبش انقلابی خلقها و سائر عوامل عینی و ذهنی متعدد کشوری، منطقوی و بین المللی سبب گشت که در طول تاریخ مستعمره و نیمه مستعمره افغانستان، دایما نیروهای مرتجع با پشتیبانی و حمایت بی دریغ امپریالیستهای غربی و قدرت های ارتجاعی منطقه و عرب وبا استفاده از سلطه فرهنگ مسلط مستعمره - نیمه فئودالی و نیمه مستعمره - نیمه فئودالی بر جامعه، بر جنبش مقاومت ضد سوسیال امپریالیستی شوروی چیره شوند، رهبری ارتجاعی را بر آن تحمیل نمایند و خون میلیون ها شهید و جانبختگان راه آزادی را به یغما بردند.

بعد از خاتمه جنگ مقاومت، جنگهای داخلی خانمانسوز بین جهادی ها و به تعقیب آن بین جهادی ها و طالبان شروع شد، بزرگترین ثمره شوم این جنگها، فراهم نمودن زمینه دیگری برای تجاوز امپریالیستها به رهبری امپریالیزم امریکا بود. اشغالگران امریکایی و متحدین شان برنامه های شکلدهی یک رژیم دست نشانده را که تامين کننده منافع شان باشد رویدست گرفتند و با صرف میلیاردها دالر جنگ تجاوز کارانه و وحشیانه خویش را به شامگاه هفتم اکتبر ۲۰۰۱ بالای افغانستان شروع نمودند و دولت دست نشانده خود را به تاریخ ۲۲ دسامبر ۲۰۰۱ (۱ جدی ۱۳۸۰ خورشیدی) براریکه قدرت نشانند، بعد از سپری شدن حدوداً هشت سال دور دوم انتخابات امپریالیستی - ارتجاعی خود را برای ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی بار دیگر سردست گرفته اند و میخواهند توده های ستمدیده این دیار را برای باردیگر به پای صندوق های رای این بازی فریبکارانه امپریالیستی - ارتجاعی به تاریخ ۲۹ اسد ۱۳۸۸ سمت وسو دهند تا بتوانند به دولت دست نشانده شان مشروعیت ببخشند و تجاوز نظامی شان را پوشش کاذبانه دهند.

" جنبش انقلابی جوانان افغانستان " از طرفی سالروز استرداد استقلال افغانستان را با افتخار تجلیل مینماید و یاد جانبختگان راه آزادی و استقلال را گرامی می دارد و از طرف دیگر تعهد خرائین خود را برای بیرون راندن نیروهای اشغالگرا امپریالیزم اضلاع متحده امریکا و سرنگونی رژیم دست نشانده اعلام میدارد، از هیچگونه ایثار و فداکاری دریغ نخواهد کرد و با عزم متین در مقابل متجاوزین و اشغالگران و دست نشانده شان به مبارزات خود ادامه خواهد داد و ضمن آن انتخابات امپریالیستی - ارتجاعی رژیم پوشالی را که یک روز بعد از برگزاری مراسم بزرگداشت از ۲۸ اسد آغاز میشود باردیگر قاطعانه تحریم می کند.

ما از تمامی اقشار ستمدیده مردم میطلبیم که به پای صندوق های رای این خائنین ملی و مرتجعین سفاک و وطن فروش نروند و فریب این بازی فریبکارانه امپریالیستی - ارتجاعی را نخورند.

به پیش در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی، مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی!

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

۲۸ اسد ۱۳۸۸

www.afghanistanrymo.org

گزارش کوتاهی از ولایت غزنی

جرئت

عدم اداره سالم، رشوت، قاچاق مواد مخدر، بی نظمی و صدها موارد دیگر از عمده ترین خصایص دولت دست نشانده به شمار می‌رود. همه موارد فوق حکایتی است از یک دولت دست نشانده و پوشالی، بی قانونی و زورگویی در درون این نظام یکی از چالشهای عمده ای است که خود رژیم بدان اعتراف میکند.

آنچه را که ذیلا بدان اشاره می‌کنیم گزارش کوتاهی از سیستم اداری، بازسازی، امنیت و اوضاع جاری ولایت غزنی می‌باشد. هر چند ولایت غزنی را هم نمیتوان از دایره این سیستم فاسد اداری مجزاء خواند ولی جهت معلومات بیشتر خوب است تا یک ارزیابی مختصر از آن به عمل آوریم. این ولایت در طول چند سال اخیر شاهد بحرانهای شدیدی به گفته مقامات رژیم بوده است. ولایت غزنی در طول دوران حاکمیت رژیم پوشالی، شاهد تغییر و تحولات که به نفع مردم ختم شود نبوده اما تبدیلی های پیاپی والیان را در پی داشته است. در مدت هفت سال در این ولایت ۷ والی تغییر و تبدیل شده اند. این تغییرات هیچ گاهی بنا بر خواست و اراده مردم نبوده بلکه به اساس سلیقه های شخصی خود حامد کرزی و چاکران دربارش بالای مردم تحمیل گردیده است. در طول حاکمیت دولت دست نشانده کشمکش های شخصی، منطوقی، ملیتی و حزبی همیشه بین اراکین بلند پایه دولتی دیده شده و قربانیان آنرا توده های زحمتکش تشکیل داده اند. این کشمکش ها اکثرا شکل ملیتی و گاهی هم شکل منطوقی را بخود اختیار نموده است.

در طول عمر حاکمیت مزدوران امپریالیستی، تمامی والیان تبدیل شده بر اساس روابط و جهتگیریهای جدید وارد صحنه شده اند. انتخاب و کلای شوراها، وکلای شورای ولایتی و دیگر اشکال انتخابات یک مضحکه نمایشی بوده و همه بر اساس قومی و منطوقی صورت پذیرفته است.

مسئله ای که مردم را به طرف خود جذب و دفع مینمود، وعده و نویدهای بیشمار والیان تبدیل شده در ولایت غزنی بود. مردم در ابتدای تغییر و تبدیلی توقعات خاصی نسبت به آنها داشتند اما هرچه از عمر کوتاه والیان این ولایت سپری میشد، این توقعات آهسته آهسته کم رنگ

میگردید، زیرا مردم ماهیت اصلی دولت و همچنان والیان انتصابی آنرا درک مینمودند، طوریکه امروزه هرگونه تبدیلی میان مقامات دولتی؛ مانند: قل اردو، قوماندانی امنیه و یا مقام ولایت غزنی و همچنان هرگونه تغییر در سیستم اداری موجوده برای مردم معنی خود را از دست داده است.

برای اینکه ماهیت اصلی سیستم اداری ولایت غزنی را بشناسیم، ذکر چند نکته به صورت ذیل ضروری پنداشته میشود:

۱. سیستم اداری:

چهره کریه استبداد امپریالیستی بر جامعه ماهیت اصلی ادارات دولتی را بخوبی به نمایش میگذارد. فساد اداری نه تنها در مرکز بلکه در تمامی ولایت، یکی از عمده ترین و متبازترین مسئله در طول حیات ۷ ساله رژیم بوده است که میتواند بخوبی ماهیت ادارات دولتی را تبارز دهد. سیستم اداری ولایت غزنی نیز آنقدر فاسد و فریبنده میباشد که هیچگاهی نمیتوان آنرا مجزاء از سیستم مرکزکشور به حساب آورده و روی آن بحث کرد.

رشوت خوری، ملیت گرایی، واسطه بازی، و... در ادارات دولتی ولایت غزنی به اوج خود رسیده است. هیچ اداره ای را نمیتوان سراغ کرد که بتوان کار آنرا مثبت ارزیابی نمود. هیچ ریاستی را نمیتوان یافت که بهتر از ریاست دیگری باشد. هر رئیس با دادن رشوت های گزاف اقتصادی از طریق وزارت توانسته است چوکی خود را حفظ کند. در طول هفت سال، هفت تن از والیان این ولایت تبدیل گردیده اند، اما هیچگونه تبدیلی در سیستم ریاستی ادارات دولتی به عمل نیامده و دلیل اصلی آنهم خریداری ریاست ها توسط روسای هر ریاست میباشد.

۲. بازسازی:

گرچه از یک حکومت دست نشانده که ماهیت شان نه بر مبنای خواست و همکاری مردم بلکه بر مبنای حمایت های بی دریغ امپریالیستهای متجاوز تضمین می شود نمیتوان توقع بازسازی را از چنین رژیمی نمود ولی بهتر است حرف های دروغین والیان متعدد غزنی را به شرح ذیل افشاء نماییم، درینجا حرف و عمل شش تن از والیان ولایت غزنی را که هر کدام به نوبت خود

بر قدرت ولایت تکیه زند را از نظر میگذرانیم:
- حاجی اسد:

حاجی اسد یکی از بزرگترین قاچاقبران مواد مخدر میباشد که در دوران حکومتش در غزنی تامین کننده راه های مواصلاتی مواد مخدر بود. از ولسوالی هایی که مواد مخدر از آن عبور میکند اشخاص خویش را موظف به تامین امنیت راه مواصلاتی کرده بود و با استفاده از صلاحیت های قانونی شان مواد مخدر را انتقال مینمود. همچنان شرکت های ساختمانی که وظیفه اعمار پل ها

، سرکها، و پروژه های ساختمانی را بر عهده گرفته بودند در یک زد و بند تنگاتنگ با والی سهم شان را گرفتند و به تمامی وعده های خود پشت پا زدند و این کارها چه توسط حاجی اسد و چه توسط دیگران تا حال به مرحله اجراء در نیامده است. از آنجمله میتوان حرفی از اعمار چند پل، سرکهای درون شهر، سنگ تهداب پوهنتون غزنی، آسفالت سرکهای ولسوالی، و... را بر شمرد. اعمار و بازسازی یک پل در درون شهر اجراء شد ولی بعد از مدتی در اثر سیلاب تخریب گردید در حالیکه دولت بدون اعتناء از کنار آن گذشت. اعمار یک سرک به طول ۳ کیلومتر در شهر غزنی به بهره برداری سپرده شد که فعلا نیاز به ترمیم و بازسازی دارد در حالیکه ریاست فوائد عامه نسبت به حفظ و مراقبت سرکها بی تفاوت عمل میکند. سنگ تهداب پوهنتون غزنی گذاشته شد و افتتاحیه سنگ تهداب را جشن گرفتند و رسانه ها هر کدام با بوق و کرنا تبلیغات وسیعی درین رابطه به عمل آوردند اما بعد از سنگ تهداب دیگر هیچگونه سنگی بالای آن گذاشته نشد و کار پوهنتون به همان شکل سابق باقی ماند. آسفالت سرکهای ولسوالی ها اصلا عملی نشد در حالیکه قراردادهای گزاف به میان آمد، نه از پول پرداختی خبری است و نه هم از آسفالت سرکهای ولایت غزنی! به عین ترتیب تمام مسائل بازسازی ولایت غزنی را وقتی در نظر بگیریم به همین شکل به پیش رفته است، یعنی در یک کلام میتوان خلاصه کرد که هیچگونه توجه ای به بازسازی ولایت غزنی از طرف اراکین بلند پایه دولتی به عمل نیامده است.

- شیر علم ابراهیمی:

شیر علم یکی از بزرگترین تجار مافیای زمین می باشد که در شهر کابل چندین شهرک و مارکیت

شخصی دارد. در دوران ریاستش به عنوان والی در ولایت غزنی، غصب و دیزاین سه شهرک شخصی با شرکای خویش (شاروال، مولانا (عضو مشرانو جرگه)، حاجی الله یار معاون والی غزنی) و اعمار چند ساختمان بلند منزل در شهر کابل از جمله مهمترین کارهای او به شمار می‌رود.

وی در دوره ریاستش وعده اعمار شهرک مهاجرین و شهرک رهائشی برای معلمین و مامورین و همچنان اعمار مکاتب را داد، اما چه شد؟ شهرک مهاجرین در اثر فشار مردم بنا شد اما نصفی از بلاک های رهائشی آنرا خود کارمندان ریاست مهاجرین، مقامات ولایت و وکلاء از آن خود نموده اند. شهرک های رهائشی برای معلمین و مامورین اصلا احداث نشد و اعمار یک باب مکتب با بودیجه PRT در خود شهر به بهره برداری سپرده شد که آنهم از کیفیت پایینی برخوردار است. چند باب مکتب و کلینیک توسط موسسات خارجی و داخلی بنا شده است که بعضی از آنها توسط طالبان یا حریق گردید و یا مسدود ساخته شد.

- پتان:

آنچه را که "پتان" به مردم وعده داد اعمار ۱۵ بند آب، یک باب کتابخانه، آسفالت سرکهای ولسوالی ها و... بود. اما چه کرد؟ اعمار ۱۵ بند آب توسط خود مردم مناطق مختلف غزنی پیشنهاد گردید در حالیکه ۲ یا ۳ بند فقط سروی شد و به مرحله اجراء ساختمانی هم نرسید. ساختمانی به نام کتابخانه عامه غزنی با بودجه شاروالی در پارک "سنایی" غزنی احداث شد اما مدتی از بی کتابی خالی ماند و اخیراً منحصی فاکولته ادبیات غزنی از آن استفاده میشود، البته ناگفته نماند که این کتابخانه دارای چند اتاق محدود است و برای فاکولته ادبیات نیز کوچک است. آسفالت سرکهای غزنی همانند قبل، اصلاً صورت نگرفت و عمده ترین بهانه عدم امنیت خواننده شد. ایجاد چند شرکت خصوصی در غزنی و خوست، غصب عایدات گمرکی و حق العبور به صورت شخصی، و حیف و میل پولهای نقدی چند صد هزار دلری و حیف و میل دارائی های عامه از جمله اتهاماتی است که تا حال به وی وارد آمده است.

- لونگ:

آنچه را که به مردم غزنی وعده داد عبارت بودند از: تامین امنیت کامل، باز نمودن مکاتب که توسط طالبان مسدود شده بود، باسازی و آسفالت سرکهای داخل شهر، اعمار و باسازی سرکهای ولسوالی ها علی الخصوص سرک

۳. امنیت:

در شرایط فعلی، ولایت غزنی از لحاظ مسائل امنیتی از جمله ولایات نا امن افغانستان به شمار می‌رود. در سال گذشته حدود ۳۰۰ تن پولیس رژیم کشته یا زخمی شده اند. ارگانهای امنیتی در ولسوالی های پشتون نشین این ولایت فقط چهار دیواری ولسوالی را در اختیار خود داشته و از آن محافظت میکنند در حالیکه در قریه و قصبات ولایت هیچگونه تسلط امنیتی از طرف دولت موجود نمیباشد و هیچگونه حاکمیتی در آن مناطق را نمیتوانند اعمال کنند.

مرکز شهر غزنی را اگر از نظر بگذرانیم نیز به عین ترتیب دیده میشود یعنی مخالفین مسلح دولتی از طرف شب آزادانه به گشت زنی و پیاده روی می پردازند در حالیکه نیروی های اضلاع متحده امریکا و اردوی رژیم با چند هزار نیرو و تجهیزات امنیتی در مرکز شهر مستقر هستند.

۴. اوضاع کنونی:

انتخابات سال ۱۳۸۸ تاثیرات خود را نیز بر شهر و ولسوالی های غزنی گذاشته است. طوریکه همین اکنون والی بر حال ولایت غزنی، شاروال غزنی، مولانا (عضو مشرانو جرگه) به حمایت بی دریغ حامد کرزی برخاسته اند و برای انتخابات ۲۹ اسد به نفع کرزی کمپاین میکنند. این کار به مخالفت شورای ولایتی غزنی مواجه شده است و شورای ولایتی غزنی شخص والی را یک فرصت طلب خطاب کرده و کارشان به ولسی جرگه کشانیده شده است. ولسی جرگه بعد از یک غوغا و سروصدایی که از طرف شورای ولایتی غزنی براه افتاد وظیفه والی غزنی را معطل قرار داده است، والی غزنی با وجودیکه وظیفه اش از طرف ولسی جرگه به حالت تعلیق درآمده اما عملاً منحصی والی ایفای وظیفه میکند و شدیداً از کرزی به دفاع برخاسته است.

این کارها مخالفت های جدی تری بین مقامات بلند پایه دولتی و ارگانهای چند گانه ولایت غزنی بوجود آورده است، طوریکه شورای ولایتی کارش را فعلاً به صورت اعتراض گونه معطل قرار داده و تمامی وکلا و روسای ریاست های چند گانه ارگانهای دولتی جهتگیری شان را مشخص ساخته اند.

یک احتمال قوی می‌رود که دامنه این اعتراضات تا زمان سپری شدن نتیجه نهائی شمارش آراء انتخابات سال جاری به طول بکشد و بعد از آن نیز اوضاع ازین هم وخیم تر گردد.

ولسوالی جاغوری، استخدام مجدد مجاهدین سابق که از وظایف شان تنقیض گردیده بودند. اما چه کرد؟ دوران ریاستش ۳ ماه بیشتر طول نکشید و در جریان این سه ماه فقط تنها کاری که انجام داد اعمار یک باب ساختمان در وزیر اکبرخان کابل بود و همچنان توانست به قیمت ۱۶۰۰۰۰۰۰ افغانی (یک میلیون و ششصد هزار افغانی) زن سومش را عروسی کند.

- خوستی:

آنچه را که خوستی به مردم غزنی وعده داد عبارت بودند از: تغییرات در ادارات دولتی، بازسازی شهر تاریخی غزنی، اعمار پوهنتون و تامین امنیت کامل ولایت غزنی. وی به تخصص خود میباید و دایماً شعارهای عمل نه حرف را به میان می آورد. وی در مدت ۳ ماه دوره ریاستش نتوانست امنیت غزنی را تامین نماید و برعکس وضع امنیتی شهر غزنی از پیش نیز خرابتر گردید. وعده های بازسازی و اعمار مکاتب و پوهنتون هم در حرف باقی ماند و اصلاً به مرحله اجراء نرسید.

وی تنها کاری که انجام داد باز نمودن گیم خانه (بازی های کامپیوتری) در شهر غزنی بود و تنها مهارت داشت که در مکالمات روزمره اش لغات انگلیسی را مخلوط نموده و به خورد مردم بدهد و در کنار آن از عهده بازی های کامپیوتری IGI بخوبی بیرون شود.

- داکتر عثمان:

والی کنونی غزنی شخصی بنام داکتر عثمان عثمانی" میباشد. این والی نیز طبق معمول در روزهای اول با وعده های سرخرمن بسیاری از مردم را فریب داد، این کار باعث گردید که هویت اصلی اش برای همگان افشاء شود و فعلاً هر تبعه افغانستانی و کسانیکه در ولایت غزنی بود و باش دارند بخوبی میدانند که وی بزرگترین قاچاقبر سرمایه ملی کشور شناخته شده است؛ زیرا ولایت غزنی دارنده با کیفیت ترین معدن سنگ گرانت میباشد و این سنگ های با قیمت توسط قاچاقبران مخصوص با رشوت های گزاف به مقامات دولتی از ولایت غزنی خارج ساخته شده و به کشورهای دیگر انتقال می یابند. گرچه در زمان والیان سابق این کار نیز وجود داشت اما در زمان ریاست والی فعلی ولایت غزنی این کار رونق بیشتریافته طوریکه خود شخص والی رسماً به یک قاچاقبر سنگ گرانت تبدیل شده است.

تحلیل و ارزیابی کاره های امنیتی در سطح شهر کابل

بهناد

۱۲ - اسد ۱۳۸۸

هر روزی که از عمر رژیم منحنط میگذرد ، فشارهای اجتماعی جوانان افغانستان را بیش از پیش در تنگنا قرار میدهد، انقیاد و اسارت همه روزه از سرو روی دولت دست نشانده میبارد، هجوم نیروهای نظامی امپریالیستی به افغانستان بیشتر و بیشتر میگردد. نیروی کار فوق العاده بی اشتغال شده و بورژوازی ملی روبه سقوط گام نهاده است ، دهقانان متوسط بی زمین شده و دهقانان فقیر به قهقرا سوق داده میشوند، دختران جوان دایما از دست قلد رمنشان حاکمی که از حمایت بی دریغ خائنین ملی برخوردارند مورد آزار واذیت و مورد تجاوزات جنسی قرار میگیرند، و آنها را مانند کالا در معرض خرید و فروش قرار میدهند ، ازدواج های اجباری ، خودسوزی ها ، خود کشی ها ، عمباق داری و هزاران فلاکت و بدبختی دیگر دامن گیر زنان و دختران جوان کشور گردیده است. گدایان دیگر بصورت انفرادی دست به گدایی نمیزند بلکه بصورت فامیلی همراه همسر و فرزندانشان به کوچه ها سرازیر گشته اند.

شرایط زندگی آنقدر خفقان آور و دهشت انگیز گشته است که مردم را نسبت به یکدیگر بی اعتماد و بی باور ساخته است، هرکسی را ببیند کوشش به این دارد که حداقل گلیم خودش را از آب بیرون بکشد ، هرکس سردرگریان خود دارد ، هرکس به فکر تامین معیشت فرزند و عیال خویش است، کارگران بیکار دایما درسرگذر نشسته و منتظر الاحضرتی اند که نیروی کارشان را به پایین ترین مزد خریداری نماید که حداقل بتوانند لقمه بخور و نمیرشان را مهیا سازند.

محصّلین و متعلمین از شرایط تحصیلی شکایت دارند ، سکتورهای خصوصی رو به رشد است کسانیکه که سرمایه ائی دارند و میتوانند حداقل سرمایه گذاری داشته باشند دست به کار شده اند ، سکتورهای دولتی انگار از کار افتاده است ، رشوت و اختلاس به منتهی درجه رشد کرده است، رشد مواد مخدر در کشور فکتور دیگری را جلوی پای توده های ستمدیده قرار داده است ، بی خانمانی و آوارگی ، کشتار دسته جمعی زحمتکشانش توسط نیروهای ۳۷ کشور امپریالیستی

دیگر طاقت فرسا گشته است ، تبلیغات وسیع ایدئولوژی دولت دست نشانده شب و روز از طریق رسانه ها و مطبوعات گوش مردم را کر نموده است ، برنامه های تلویزیونی ماهیت ندارد و هیچگونه برنامه آموزشی جهت رشد فکری دیده نمیشود، همه چیز فقط مصروف نگه داشتن مردم در تنگنا ، در تاریکی ، در جهالت ، در فقر، در انزوا و هزاران هزار فلاکت و رنج و مشقت دیگر است.

اینها چه نشان میدهد اینکه جامعه ستمدیده افغانستان بسوی نابودی و انهدام رهبری میشود، و این همان استراتژی عمده امپریالیستهای اشغالگراست که از روز اولی که افغانستان را مورد تهاجم قرار داده اند غیر از فلاکت و بدبختی چیز دیگری برای مردم ستمدیده به ارمان نداشته اند.

این گوشه ائی از انقیاد و اسارت توده های ستمدیده افغانستان است ، جوانان نمیتوانند از خواست ها و حقوق صنفی خود دفاع نمایند زیرا در صورت دفاعیه از آن به جرم سیاسی از مکاتب و دانشگاه ها اخراج میشوند که نمونه متبارز آنها میتوان در گزارش دیگری در همین شماره تحت نام " تظاهرات محصلین دارالمعلمین ولایت بامیان" دید.

دولت دست نشانده تبلیغات وسیعی را از همان اوایل قدرت گیری براه انداخته است که آزادی بیان موجود است اما کجاست این آزادی؟ آیا آزادی در قفس مستعمراتی معنی میدهد؟ هرگز! امپریالیستهای اشغالگرا امریکایی آنچنان درین سرزمین رخنه نموده اند که حتی وارد زندگی خصوصی مردم نیز شده اند ، کنترل و قیودات بیش از حد، فکتور دیگری است که جامعه افغانستان را سلب آزادی مینماید. دیگر جوانان آزادی خود را نمیتوانند احساس کنند ، دیگر دختران و زنان نمی توانند مطابق خواست های صنفی خود حرکت کنند زیرا دایما تحت کنترل اند ، به تازگی دولت دست نشانده به دستور اربابان امپریالیستی اش و به بودجه نظامی امپریالیستهای امریکایی نصب دوربین های مخفی و به اصطلاح کمره های امنیتی در سطح شهرها را روی دست گرفته است نصب این کمره های استخباراتی

از شهر کابل شروع شده است. این خبر توسط دولت دست نشانده و نیروهای امریکایی در شهر کابل در ماه جون ۲۰۰۹ از طریق رادیوی نشراتی نیروهای آیساف و همچنان از طریق خبرنگارانه نیروهای آیساف به دست نشر سپرده شد. برای اینکه بتوانیم ماهیت این کمره های مخفی را در سطح شهر درک نماییم بیاید به متنی که در شماره ۱۸۶ روزنامه نیروهای آیساف " صدای آزادی" به چاپ رسیده است مروری داشته باشیم:

" لوی پاسوال عبدالرحمن رحمان فرمانده زون ۱۰۱ آسمائی کابل گفت که آنها ۴۶ کمره پیشرفته امنیتی را در نقاط کلیدی شهر کابل نصب کرده اند. سرک کابل جلال آباد ، سرای شمالی ، کوچه مرغ فروشی و پل محمود خان از محلات مزدحم اند که این کمره ها در آنها نصب شده است. بلند ترین کمره بر فراز کوه تلویزیون نصب شده است . لوی پاسوال رحمان در یک مصاحبه خصوصی با رادیوی صدای " آزادی" توزیع داد که : " کمره ۳۶۰ درجه میچرخد و میتواند ۳ کیلومتر تمام ساحه را تحت نظر خود داشته باشد" همه چیز از مرکز جائیکه مونیتورها کمره میباشند نظارت میشوند، لوی پاسوال گفت: " پرسونل ما مرکز زون ۱۰۱ آسمائی شهر کابل را در اداره و کنترل خود دارند. " ازین گونه کمره های امنیتی در بسیاری از کشورهای



، همه چیزها تحت نظارت دارند و از طریق مرکز کنترل و شبکه جاسوسی اضلاع متحده امریکا توسط متخصصین یانکی مورد ارزیابی قرار میگیرد. این بدین مفهوم است که نیروهای نظامی امپریالیستی نه تنها در مسائل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی بلکه در هر زمینه‌ای که خود بخواهند درین کشور دست باز دارند، از هرگونه شیوه جاسوسی به نفع خود بهره کشی میکنند، اینکه توده‌های ستمدیده این دیار در چه وضعیتی به سرمیبرند چندان مهم نیست مهم استقرار هر چه وسیعتر نیروهای اشغالگرشان و کنترل شدید منطقه در سطح جهان میباشد.

مردمان ستمدیده این دیار باید نهایت سعی و تلاش خود را برای نسج و نظم گرفتن هر چه بیشتر مقاومت ملی، مردمی و انقلابی پی ریزی نمایند. باید دست در دست هم دهند، باید به بسیج فشرده خویش ایمان بیاورند زیرا بدون یکپارچه بودن و بدون اتحاد و وحدت مبارزاتی ملی، مردمی و انقلابی هیچگونه انقلابی به پیروزی نخواهد رسید.

آسمان بلند نمود و این بالن در قسمت نزدیک منطقه ائی بنام "پل خشتی" موقعیت دارد و میتواند ۳۶۰ درجه تمامی ساحه کابل را تحت نظارت داشته باشد.

این هم گوشه دیگری از انقیاد! با دادن چنین گزارشات چه میخواهند به مردم بگویند؟ اینرا که نیروهای اشغالگر امپریالیستی کنترل شدید امنیتی را در قبضه دارد! میخواهند به مردم بگویند که دولت ثبات سیاسی خود را یافته است! میخواهند به مردم بگویند که آزادی کامل به مردم داده شده است! میخواهند مردم را در تنگنای جهل و خرافات کماکان نگه دارند.

اما توده‌های ستمدیده این دیار دیگر فریب اشغالگران را نخواهند خورد، توده‌های ستمدیده اینرا هم به خوبی میدانند که موجودیت این کمره‌ها زندگی شخصی شان را نه تنها تامین نمیکند بلکه آنرا صد مرتبه بیشتر تهدید میکند. طوریکه حنیف اتمر گفته است همه چیز ضبط و آرشیو میشود، همه روزه فیلم‌های از سراسر شهر کابل ضبط میشود

جهان کار گرفته میشوند آنها میتوانند امنیت را بهتر تامین کنند.

محمد حنیف اتمر وزیر امور داخله گفت: "همه چیز ضبط و آرشیو میشود، این ریکارد در کشف و تحلیل جرایم به پولیس کمک میکند." فیلم‌ها روزمره نگه داری میشود به این معنی که هرگونه رویداد امنیتی که رخ میدهد به آنها توسط متخصصان ها رسیدگی میشود خصیصه دیگر اینگونه نرم افزارهای شناسائی چهره، این خواهد بود که دشمنان افغانستان خیلی زود بازداشت خواهند شد. "روزنامه صدای آزادی" نشرات نیروهای آیساف - شماره ۱۸۶ - صفحه ۲ - کابل - افغانستان" البته تنها نمیتوان به این گزارش اکتفاء نمود، به تعقیب این مسئله دیده شد که تعداد کمره‌های امنیتی در سطح شهر کابل نه تنها ۴۶ عدد نیست بلکه حدود ۱۰۰ کمره امنیتی در اطراف و اکناف کابل نصب گردیده است. این خبر در حالی به دست نشر سپرده شد که چند روز به تاریخ انتخابات سال ۱۳۸۸ باقی مانده بود که دولت بالن فضائی را نیز به فضای کابل به

دولت پوشالی تجاوز به زنان را قانونی می سازد!

منصور

به مردان اجازه می دهد که میراث قابل انتقال و غیر انتقال هر دو را که از همسرش باقی مانده بدست بیاورند، در حالیکه زنان فقط حق دارند میراث قابل انتقال شوهران خود را بدست بیاورند (ماده ۲۲۶)

طوریکه در بالا گفته شد توشیح این قانون به واسطه کرسی اعتراضات و موضعگیری های متفاوت را در سطح داخل و خارج کشور به همراه داشت. این اعتراضات طیف وسیع از افراد جامعه را در بر می گرفت. توده‌های وسیع از زنان و گروه‌ها و افراد دموکراتیک تصویب چنین قانونی را سراپا ارتجاعی، واپسگرا و ضد زن خواندند و علیه آن به مخالفت برخاستند، گر چند تظاهرات توده‌های زنان به دست عمال و مزدوران رژیم مورد بهره برداری قرار گرفتند و به هدف نهایی که همانا لغو این قانون ضد بشری بود، نرسید؛ اما این اعتراضات ضربه سخت کاری به تمام ادعاهای کاذبانه و عوام فریبانه اشغالگران و مزدوران داخلی شان مبنی بر آزادی و دفاع از حقوق زنان و حقوق بشر زدند و نقاب از چهره‌های شان دریدند. در داخل کشور بعد از اعتراضات توده‌های مردم

، دسترسی داشتن به پرستاری طبی و غیره و حتا خارج شدن بدون اجازه شوهر، منع می کند. در هنگام وقوع طلاق، اطفال را به پدر و پدرکلان تحویل می دهد. (ماده ۴۷) پیشرفت محکمه طلاق را در موجودیت دو شاهد مرد قانونی می سازد. (ماده ۱۶۱)



قانون به اصطلاح، احوال شخصی تشیع در ماه دلو سال گذشته در مجلس نماینده گان افغانستان تصویب و در مشرانو جرگه مهر تایید می خورد و آخر الامر به توشیح کرسی می رسد. توشیح این قانون ارتجاعی به واسطه کرسی اعتراضات و عکس العمل های متفاوت را در سطح داخل و خارج کشور در پی داشت. این قانون که در ماده ۱۳۱ قانون اساسی رژیم پوشالی در سال ۸۲ پیش بینی شده بود، بیانگر ارتجاعیترین و فاسدترین قانون ضد زن میباشد.

در این قانون تجاوز به زنان به صورت قانون رسمی درآمد که در آن گفته شده است در صورت تمایل مرد به مقاربت جنسی، زن حق مخالفت را ندارد، مگر اینکه مریض باشد (ماده ۱۳۲). در سراسر این به اصطلاح "قانون" ماده‌ها و مطالب توهین و تحقیر آمیز بسیاری که دور از شان انسانیت است، پیدامی شود:

از دواج اطفال را با تعیین حق مهر قانونی می سازد. (ماده ۱۲۲)

زنان را از کار در خارج از منزل، رفتن به مکتب

و سرو صدرا راه انداختن برای آزادی زنان چه می شود. در آن صورت همین فرق ظاهری هم که میان طالبان و دولت کنونی وجود دارد از بین نخواهد رفت. چهره های در نقاب شده و دست های خون الود متجاوزین از آستین بیرون نخواهد شد به یقین که می شود و خواهد شد.

طرح و تصویب چنین قوانین تئوکراتیک و زن ستیزانه یکبار دیگر مشی تدوین شده پلاتفورم " جنبش انقلابی جوانان افغانستان " را صحه گذاشت و بیشتر از پیش اهمیت " شعار جدایی دین از دولت " و بر قراری حاکمیت غیر مذهبی مردمی را نشان داد. نشان داد که " شعار جدایی دین از دولت " درست ترین و اصولی ترین راه خلاصی از هر گونه قوانین ستم گرانه و زن ستیزانه میباشد.

" جنبش انقلابی جوانان افغانستان " به عنوان یگانه تشکل ملی، مردمی و انقلابی آشکارا اعلام می دارد، فقط با تکیه بر مقاومت ملی، مردمی و انقلابی توده ها برای تامین و کسب استقلال و آزادی کشور و مردم آن کشور و پیشروی مداوم در مسیر انقلاب است که از هر گونه قوانین ضد انسانی رهایی خواهیم یافت و فردای مان شگوفان و پر بار، بری از سلطه امپریالیستها و مرتجعین و سرشار از آزادی و بهروزی خواهد بود.

بر سر این قانون، آنرا متنفر خواند. نهاد توسعه سازمان زنان ملل نیز دولت افغانستان را هشدار داد که " تجاوز در چهار چوب زناشویی را مشروعیت می بخشد."

جالب اینجاست که تا زمان توشیح این قانون به واسطه کزری هیچ عکس العمل جدی را در نهادهای درون رژیم و حامیان نشان مشاهده نمی کنیم، اما چرا به یک باره گی سر و صدا به راه افتاد و این قانون سرا پا ضد زن و ضد بشر از آب درآمد؟ مگر این مدافعین حقوق زن و حقوق بشر، قبل از توشیح این قانون نمی فهمیدند و از مطالب آن بی خبر بودند. چرا این قانون زمانیکه به عکس العمل شدید مردم مواجه می شود، آن وقت کشورهای امپریالیستی و نهادها مربوط شان به موضعگیری و محکوم کردن این قانون می پردازند. کاملاً روشن است، زیرا دولت های امپریالیستی و در راس آن امریکا دفاع از آزادی زنان افغانستان را وسیله و روپوش برای تجاوز و اشغال این کشور قرار داده بودند. چگونه ممکن است که حامیان حقوق زن به یک باره سند و قانون برده گی زنان را تایید کنند، آن هم در صورتیکه همه بدانند و تشت رسوای آن از بام بیافتد. نه دیگر ممکن نبود که مدافعین به اصطلاح حقوق زن بیشتر از این سکوت کنند و آن وقت است که در صدد محکومیت این قانون می برآید و آنرا ضد زن می شمارند. مگر برای آنها شرم آور نیست که در تحت اداره حکومت دست نشانده آنها همچون قوانین ضد زن به تصویب برسد. پس در آن صورت این همه گلو پاره کردن

احزاب و نهادهای سیاسی حاکم و مرتجع فرصت را مغتتم شمرده و خواستند از قبل زنان کشور استفاده نموده و هم در میان دمکرات گرای و دفاع از زنان، در نزد اربابان از رقیبان کم نیاورند و مهمتر از آن عنان اعتراضات توده ها (به خصوص زنان) را به دست گیرند و مبارزات بر حق زنان را از هدف اصلی ان منحرف نمایند. به رغم تمام این سنگ اندازی ها و خیانت پیشگی این گروه و عناصر خود باخته، چهارشنبه ۲۶ حمل ۱۳۸۸ مصادف با ۱۵ اپریل ۲۰۰۹ تعداد زیادی از زنان دست به تظاهرات زدند و بر علیه این قانون شعار دادند و خواهان تعدیل در این قانون شدند. اوباشان و اراذل تحریک شده بر ضد زنان معترض شعار می دادند و با سنگ و چوب دست داشته شان بر آنها حمله می نمودند و حرفهای رکیک و پوچ به زنان می زدند. می گفتند: " فاحشه ها می خواهید برهنه بگردید؟! " صحنه درگیریها میان موافقین و مخالفین به درگیریهای در کوچه ها و مکاتب نیز کشیده شدند.

این اعتراضات صرفاً به داخل کشور محدود باقی نماند، بلکه در سطح بین المللی نیز مخالفت های متفاوت را برانگیخت. عناصر، گروه ها، سازمان ها و احزاب سیاسی مستقل و مترقی این قانون را به شدت محکوم نمودند و آنرا شدیداً یک قانون قرون وسطی خواندند. اما نهادها و گروه های وابسته به امپریالیست ها بعد از اعتراضات مردم عکس العمل نشان دادند. اوباما در میان اعتراضات بین المللی

شعری از: شهید داوود " سرمد "

گزینش شعرا: مشعل

خیزید تا که محشر سرخی بیا کنیم

عهدی سپرده ایم به مردم، به جا کنیم
سرهای دشمنان زتن شان جدا کنیم
در موج آن، چو ماهی مستی شنا کنیم
بروی نعش مرتجعین رقص ها کنیم
با طعم تازیانه ای خود آشنا کنیم
با مرز سرخ سنگر خود را جدا کنیم
یعنی گره زکار ستم دیده و اکینیم
دامان جهل و وحشت و ظلمت رها کنیم
زخم درون سینه مردم دوا کنیم
دین کبیر خلق زگردن اداء کنیم
" سرمد " بیا که کام دل شان روا کنیم

خیزید تا که محشر سرخی بیا کنیم
با دست خشم خلق و شمشیر انقلاب
جاری شود چو سیل خروشنده ز خون
درافتخار مرگ پراز ننگ دشمنان
پشت هر آنکه پشت به مردم نموده است
خطی کشیم بین ترقی و ارتجاع
بندیم دست غارت بیداد سخت سخت
روشن کنیم دیده ز خورشید معرفت
همچون طبیب حاذق دمی شویم ما
ما را به اشک و خون جگر پروریده اند
خلقی به صد امید به ما بسته اند دل

ترجمه متن کامل اعلامیه مشترک روسیه و ایالات متحده امریکا در مورد افغانستان

فرشید

دوشنبه ۱۵ سرطان ۱۳۸۸

روز دوشنبه ۱۵ سرطان ۱۳۸۸ مصادف با ۶ جولای ۲۰۰۹ اعلامیه مشترک میان روسیه و ایالات متحده امریکا (دیمتری میدیمیدوف از روسیه و بارک اوباما از امریکا) بمنظور تحکیم هر چه بیشتر فعالیت‌هایشان در افغانستان به شرح ذیل به امضاء رسید:

بوده و بقای نظام سیاسی آنرا تبارز دهد، مهم می‌باشد.

بهمین رابطه ما از ازدیاد کمک بین المللی برای انتخابات افغانستان استقبال کرده و خواستار کمک علاوگی برای افغانستان بعد از انتخابات می‌شویم.

ما طرفدار تقویه تقرب های منطقوی به موضوعات مربوط به ثبات و بازسازی افغانستان می‌باشیم که در آن ملل متحد یک نقش عمده انسجام دهنده را بازی کند. بهمین رابطه، هر دو کشور در داخل شورای امنیت ملل متحد، مجمع عمومی ملل متحد و عملیه پیمان پاریس همکاری نزدیک خواهند کرد.

ما ملتفت اهمیت بخصوص کنفرانس خاص تاریخ ۲۷ ماه مارچ سال ۲۰۰۹ تحت سرپرستی سازمان همکاری شانگهای در ماسکو، کنفرانس بین المللی تاریخی ۳۱ مارچ سال ۲۰۰۹ هاگ و جلسات وزرای خارجه کشورهای موسوم به جی هشت در تریست بارابطه به افغانستان هستیم.

ما فکر می‌کنیم که تشدید و تقویه همکاری بین افغانستان و پاکستان در عقب زدن تهدید مشترک دهشت افگنی، افراطیت و قاچاق مواد مخدر ضروریست.

ما آماده هستیم تا در قسمت افزایش مؤثریت چنین همکاری‌ها، بشمول همکاری‌ها از طریق سازمان دهی ملاقات سران دول افغانستان و پاکستان تحت سرپرستی دو کشور ما، چنانکه در یکتربنبرگ و واشنگتن رخ داد، کمک کنیم. ما به تطبیق تعزیراتی که قطعنامه شماره ۱۲۶۷ شورای امنیت ملل متحد علیه القاعده و طالبان وضع کرد، و تقویه تعزیرات موجوده بمنظور انزوای کسانی که به صلح و امنیت بین المللی تهدیدی را متوجه می‌سازند، متعهد هستیم.

ما از شرایطی که توسط حکومت جمهوری اسلامی افغانستان برای مساعی جذب مجدد تعیین شده پشتیبانی می‌کنیم. این شرایط شامل شناسائی قانون اساسی افغانستان، خلع سلاح و قطع هر نوع ارتباطات دهشت افگنی با القاعده و سایر سازمان‌های مرتبط به آن می‌باشد.

نموده و از کمک و اشتراک سایر کشورها برای ثبات بخشیدن به افغانستان استقبال محکم می‌نمائیم.

ما باساس قطعنامه شماره ۱۸۱۷ شورای امنیت ملل متحد، تقویه مبارزه علیه قاچاق مواد مخدر را در داخل و خارج افغانستان، بشمول مساعی از طریق انکشاف معیشت بدیل و بازداشت قاچاق بران مواد مخدر بشمول جلوگیری از ارسال مواد لازمه تولید مواد مخدر را مهم می‌پنداریم.

بمنظور تقویه قابلیت های حکومت افغانستان در جنگ علیه قاچاق مواد مخدر، فساد اداری و سایر انواع جرایم و تهدیدها، بشمول آنهایی که از ماورای سرحدات می‌آیند، تشویق و کمک مساعی کشور برای تطبیق میثاق ملل متحد علیه فساد اداری و میثاق ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته چندین کشوری را مهم تلقی می‌کنیم.

ایالات متحده و فدراسیون روسیه بمنظور کمک بیشتر به اهداف مشترک کشورهای مان در ساحات ضد دهشت افگنی، ضد جرایم و ضد مواد مخدر در افغانستان، فیصله کرده اند تا یک ابتکار دو جانبه را برای افزایش قابل ملاحظه استفاده از افزار استخبارات مالی و تطبیق قانون بمنظور متوقف ساختن جریان غیر قانونی منابع مالی با رابطه به قاچاق مواد مخدر در افغانستان، بشمول طالبان و جرایم سازمان داده شده، انکشاف بدهیم.

این ابتکار شامل یک عنصر عملیاتی جهت هدف قرار دادن قاچاق مواد مخدر و شبکه غیر قانونی می‌باشد که به آن کمک می‌کند.

ما تمایل خود را برای جستجوی موضوعات مربوط به همکاری روسیه و ایالات متحده در اعاده حمل و نقل، انرژی و زیربنای افغانستان ابراز می‌داریم.

ما معتقدیم که تضمین امنیت لازم برای انتخابات سراسری ریاست جمهوری و شورای ولایتی که برای مردم باور کردنی و شفاف باشد و صحنه مهمی برای انکشاف کشور منحصیث یک دولت دموکراتیک خودکفا

" ما در حالیکه در مورد منازعه دامنه دار در افغانستان و اهمیت تقویه مساعی بین المللی جهت کمک در راه ثبات بخشیدن به کشور و تعمیم عملیه دموکراتیک و رشد اقتصادی در آنجا ابراز نگرانی می‌کنیم، تعهد خود را به اهدافمان در جنگ مشترک علیه تهدید دهشت افگنی، افراطیون مسلح و قاچاق مواد مخدر غیر قانونی در افغانستان یکبار دیگر تأیید می‌نمائیم.

ما به انکشاف همکاری بمنظور تقویه قابلیت های حکومت افغانستان برای بدست آوردن اهداف اجتماعی و اقتصادی، برای بلند بردن سطح حیات و تضمین امنیت برای مردم آن کشور، ادامه خواهیم داد.

ما یکبار دیگر اراده محکم خود را برای توسعه همکاری در داخل چهار چوب گروه عمل ضد دهشت افگنی روسیه و ایالات متحده تأیید کرده و اراده داریم که از طرز العمل انسجام کار عملی مشترک در همه وجوه مرتبط به مساعی ثبات بخشیدن به افغانستان استفاده مؤثر نمائیم.

ما آماده هستیم تا کمکی را که به جمهوریت اسلامی افغانستان در تقویه و انکشاف قابلیت های اردوی ملی و پولیس ملی افغانستان و تربیه منسوبین ضد مواد مخدر فراهم می‌گردد، افزایش دهیم.

بهمین رابطه، ما به تطبیق بیشتر پروژه ضد دهشت افگنی تحت حمایت شورای روسیه و ناتو، با استفاده از مرکز بین المللی و اشتراک در اجرای پروژه های مربوط به افغانستان سازمان امنیت و همکاری اروپا باساس فیصله ۰۷/۴ که توسط وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان در مادرید بتصویب رسید، مصمم هستیم.

ما اراده داریم که در تطبیق قطعنامه شماره ۱۳۸۶ شورای امنیت ملل متحد و سایر قطعنامه های ضمیمه آن از راه های ترانزیتی از قلمرو فدراسیون روسیه برای انتقال اموال و آلات مورد ضرورت قوای بین المللی که در افغانستان فعالیت می‌کنند، استفاده فعالانه

گزارشی از تظاهرات محصلین دارالمعلمین ولایت بامیان

آرمین

۱۰ سرطان ۱۳۸۸

محصلین دارالمعلمین ولایت بامیان صبح روز دوشنبه مورخ ۸ سرطان ۱۳۸۸ مصادف با ۲۹ جون ۲۰۰۹ به علت اینکه ۵ تن از استادان شان به جرم مسائل سیاسی و تحریک محصلین بر علیه دولت دست نشانده و اربابان اشغالگر امریکایی از دانشگاه اخراج شده اند دست به مظاهره زدند.

تعداد مظاهره کنندگان حول وهوش ۳۰۰ نفر بود که درین تظاهرات اشتراک نموده بودند و زمانی که میخواستند از دارالمعلمین به طرف دفتر شورای ولایتی بامیان راهپیمائی کنند توسط پولیس مانع شده و مورد لت و کوب قرار گرفتند.

خواستی که محصلین داشتند تقرر دوباره استادان شان بود و هشدار دادند که اگر این کار نشود دارالمعلمین را ترک خواهند گفت.

عبدالله مخلص به نمایندگی از مظاهره کنندگان به رسانه خبری پژواک گفته بود که استادان بر طرف شده ، ستون فقرات دارالمعلمین بوده اند ، اما به علت خصومت شخصی رئیس معارف سبکدوش شده اند. وی ادعا نمود که پولیس در برابر آنها از خشونت کار گرفته و برخی محصلین را لت و کوب کرده است اما سمنوال عبدالرزاق آمر حوزه شهری ولایت بامیان لت و کوب محصلین را رد کرده گفت که پولیس بخاطری مانع مظاهره چیان شد که اگر به سوی دفتر والی میرفتند ، امکان داشت خشونت برپا کنند. وی افزود که مقام ولایت و شورای ولایت به خواسته های محصلین پاسخ نداده اند.

از جانب دیگر محمد رضاء اداء رئیس معارف بامیان میگوید که این پنج تن استادان همواره میخواستند محصلین را بر علیه دولت تحریک نموده و شورش ایجاد نمایند.

اداء شماره مجموعی محصلین دارالمعلمین را ۳۶۱ تن خوانده مدعی شد که در مظاهره تمام محصلین نه ، بلکه تعدادی از آنها شرکت داشتند و مظاهره شان بیجا بود.

رئیس معارف گفت: " من حق تقرر و بر طرفی استادان را ندارم ، این کار مربوط برنامه وزارت معارف بوده ، هیئت وزارت بما مکتوب داده و بجای این پنج استاد ، دیگران را معرفی نموده است. "

همچنان از پایان اعتصاب معلمین مکاتب ولسوالی یکاوانگ بامیان خبر داده شده است. رئیس معارف بامیان به آژانس پژواک گفت که تخصیص مکاتب یکاوانگ امروز از سوی وزارت معارف به آنها رسیده و معلمین به اعتصاب کاری خود خاتمه داده اند. نامبرده افزود که قرار است معاشات معلمین تا ۲۵ سرطان اجراء شود.

این اعتصاب به تاریخ ۳۱ جوزا بخاطر عدم تادیه معاشات شش ماهه براه افتاد و به گفته عوض خان عضو نظارت ریاست معارف ولایت بامیان ، در مجموع ۵۶ باب مکتب با داشتن ۸۰۰ معلم به علت اعتصاب تعطیل شده و هزاران شاگرد از درس بازمانده بودند.

سخنگوی وزارت معارف در روز اول اعتصاب گفته بود که قرار است معاشات معلمین به زودی به بامیان ارسال و توزیع گردد.

این اولین باری نیست که دولت دست نشانده وعده ازدیاد و ارتقاء معاشات استادان و رسیدگی کامل به محصلان را مینماید ، در طول عمر رژیم پوشالی به تمامی خواست های برحق محصلان به نحوی از انحاء یا جواب سرکوب داده شده و یا اینکه با وعده های سر خرمن آنها را ساکت نمود است.

محصلین دارالمعلمین ولایت بامیان ۲۹ ثور پارسال نیز دست به تظاهرات زدند که تظاهرات شان به خشونت گرائید ، دختران لیلیه کابل همچنان طی تظاهراتی که به ۸ سرطان ۱۳۸۴ به راه انداخته بودند خود نیز گوشه آئی دیگر از سرکوب قهر آمیز محصلان توسط مزدوران امپریالیستی است ، سرکوب اعتصاب غذائی محصلان پوهنتون هرات نیز در سال ۱۳۸۴ میتواند گوشه دیگری

ازین اعتراضات روبه گسترش باشد و به عین ترتیب صدها موضوع دیگری که در طول عمر رژیم پوشالی بر مردمان ستم دیده و محصلان افغانستانی تحمیل گردیده است.

رژیم دست نشانده همه دار و ندارش را مرهون قوت های متجاوز و اشغالگر امپریالیستی میداند. اما مقامات چنین رژیم حرف های بیهوده علیه محصلان سر داده و میگویند که از طرف بیگانگان تحریک میشوند.

برخورد های غیر انسانی حاکمیت دست نشانده با توده های مردم و خصوصاً با محصلین همه را از دولت ناراضی ساخته است ، اما قابل ذکر است که مبارزه بخاطر بدست آوردن حقوق اینار و خود گذری می خواهد. بدون اینار و فداکاری هیچ حق و حقوقی بدست نیامده و نمی آید. اگر قرار باشد که از هیاهوی دولت و یا دوشب زندانی شدن ها ترسید نباید مبارزه کرد و صحبتی از گرفتن حقوق خود داشت ! چیزی که حقیقت دارد این است که رژیم به اصطلاح حاکم کنونی یک رژیم دست نشانده اشغالگران است ، به ساز اربابان امپریالیستی اش میرقصد و کوچکترین توجهی به خواست های برحق مردمان کشور ندارد ، مگر اینکه برآورده ساختن این خواست ها در اثر مبارزات توده ها بالایش تحمیل گردد.

موضوع دیگری را که باید خاطر نشان ساخت این است که طرح خواست های صنفی و پیشبرد مبارزات صنفی در صورت برخورداری از حمایت های سیاسی ، باعث تقویت اینگونه مبارزات میگردد و نه باعث تضعیف آنها. وظیفه و رسالت تاریخی مان ایجاب میکند که باید به تمامی شاگردان و محصلان آگاهی سیاسی داده شود تا نسلی که مسئولیت فردای این کشور بر عهده اش می افتد یک نسل تسلیم طلب ، انقیاد پذیر و ستم پذیر نباشد ، بلکه یک نسل مبارز ، آزادیخواه و سربلند باشد. اگر این کارها صورت نگیرد ، طرح هرگونه خواست صنفی در واقع حکم گدائی از رژیم است و رژیم گدا صفت ذاتا نمیتواند طلب گدائی را لیبیک گوید.

گزارشی از زندان پلچرخی کابل

گزارشگر پیکار جوانان

بالاخره بعد از چند دقیقه ما به همان محل رسیدیم. از رفیقم پرسیدم که جدی تلاشی می کند؟ گفت: "نه، احتمالاً قوطی سیگار برای



خودشان جستجو میکنند." گفتم با نسوار هم کاردارد. رفیقم خندید و گفت: "ندیدی که من چند پاکت نسوار خریدم؟" و ادامه داد که: "نه با نسوارکاری ندارند". پولیس سودای ما را سرسری تلاشی نمود، به ما گفت بروید. به فاصله کمی دورتر، دومین منطقه تلاشی دیده میشود که از یک اطاق نیمه ویرانه متشکل بود. وقتیکه آنجا رسیدیم چنان تلاشی جدی به چشم نمیخورد و درکنار پولیس همانطوری که رفیقم تشریح داد چند قوطی سیگار که از میان سودای پایوازاها (ملاقاتی ها) گرفته بود مشاهده میشود. وقتیکه ازین تلاشی نیز عبور نمودیم رفیقم گفت: "بدو ده صف ایستاد شو!"

گفتم: "کدام صف؟"

گفت: "صف مردها را نمی بینی؟ زودتر برو"

گفتم: "شما چه می کنید؟"

گفت: "ما در صف زنها ایستاد میشویم، احتمالاً لین زنها تمام شده باشد و ما میتوانیم بعد از چند تلاشی داخل زندان شویم."

گفتم: "سودا راجه کار کنیم."

گفت: "من با دخترها سودا را می برم، تو برو که ناوقت می شه"

کمی پیش تر رفتم، راه مشخص نبود؛ یک راه باریکی را انتخاب نمودم و به همان جهت حرکت کردم، پولیسی پیش رویم پیدا شد و گفت: "کجا می روی؟"

گفتم: "زندان."

ازین زندان بسوی میدان اعدام برده شدند و هزاران تن دیگرشان سالهای سال عمرشان را در درون دیوارهای بسته این زندان خاک نمودند. "از آن سالها بسیار میگذرد، و من هرگز موفق نشده بودم که به داخل زندان پلچرخی بروم و از نزدیک به تحلیل قضایا بنشینم تا اینکه درین اواخر یکی از دوستان فامیلی ام به جرم قتل درین زندان به حبس محکوم شد. من و یکتعداد از اقارب بصورت دسته جمعی برای ملاقات زندانی خود به این زندان رفتم. گزارشی را که اینک میخوانید چکیده ائی از وضعیت زندانیان، زندان پلچرخی کابل میباشد که توانستم از چشم داشت خود تهیه نمایم. قضیه ازین قرار است:

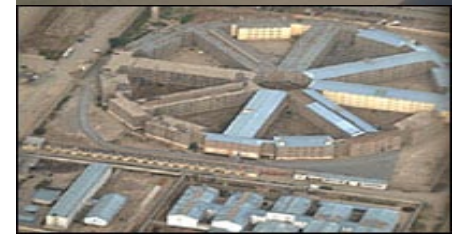
قرار شد با جمعی از اقارب و دوستان برای دیدن دوست فامیلی ام که به جرم قتل بندی جنائی میباشد به زندان پلچرخی برویم.

از منطقه مراد خانی سوار بر یک موتر سراچه شدیم. موتر حامل ما، بیش از ۴ نفر گنجایش نداشت، اما در پیور ۹ نفر را سوار نمود. بعد از مدت ۴۵ دقیقه به "اده" (ایستگاه) زندان پلچرخی رسیدیم. هنگامیکه از موتر پیاده شدیم، زندان را ندیدم، از رفیقم سوال کردم مادر کجا پایین شده ایم؟ او برایم گفت: "اینجا ایستگاه آخراست که قبلاً نزدیک زندان بود، اما بعد از حمله انتحاری، آنرا نقل مکان داده اند."

طوریکه مشاهده کردم، ایستگاه فعلی تا قسمت دروازه ورودی زندان حدود ۱۵ دقیقه پیاده روی داشت. هنگامیکه که از ایستگاه خارج شدیم و به طرف زندان حرکت نمودیم، حدود هشت طفل خورد سال با کراچی هایشان (فرغون های دستی) اطراف ما را محاصره کردند. یکی صدا می زد: "کاکاجان! سودایت به مه به ۱۵ رویه می برم"، دیگری می گفت: "مه به ۱۰ رویه می برم". به همین ترتیب با هم جروبحث می کردند. به هر صورت سودای کمی که باخود داشتیم در یکی از همین کراچی ها که آنرا یک طفل خورد سال حمل می کرد انداختیم و پسرک با کراچی اش با سرعت از ما دور شد. ده دقیقه بعد در محلی رسیدیم که کاملاً دشت بود. پسرک کراچی وان از ما تقریباً به فاصله ۲۰۰ متر به انتظار ایستاده بود. از رفیقم پرسیدم آنجا چه گپ است؟ چرا مردم ایستاده است. او برایم گفت: "نمی بینی پولیس است، تلاشی می کند". برایم جای تعجب بود تلاشی! آن هم در یک دشت خشک و خالی!

"زندان پلچرخی کابل در حومه شرقی شهر کابل موقعیت دارد و در دهه ۱۹۷۰ میلادی ساخته شده است. نقشه این زندان در واقع کاپی از یک زندان معروف و بدنام هندی و اعمار آن نیز توسط هندی ها صورت گرفته است. ساختمان این زندان در زمان به اصطلاح جمهوریت داود خانی شروع شد، اما برای اولین بار کودتاجیان هفت ثوری از آن کارگرفتند. یکی از اولین زندانیان این زندان، اراکین دولتی داودخانی بودند که توسط کودتاجیان هفت ثوری دستگیر گردیده بودند. مزدوران سوسیال امپریالیزم شوروی زندان پلچرخی را به معروف ترین زندان سیاسی افغانستان مبدل نمودند. آنها ده ها هزار تن از مخالفین شان را در این زندان به بند کشیدند و اکثریت شان را از میان بردند. دخمه های این زندان، معروف ترین شکنجه گاه های اشغالگران سوسیال امپریالیست و مزدوران شان بود.

هزاران تن از رزمندگان سازمانهای مختلف جریان چپ و منفردین این جریانات در دخمه های این زندان انداخته شدند. هزاران تن آنها



گفت: "پایواز هستی؟"

گفتم: "بلی".

گفت: "از پشت اطاق پیش تر برو پایوازه‌های دیگر را هم می بینی".

راهی را انتخاب نموده کمی پیشتر رفتم دیدم که تقریباً هزار نفر یک صف ۳۰۰ متری را تشکیل داده اند و تقریباً صد نفر دیگر به صورت پراکنده دورتر از صف بالای خاکها نشسته اند و چند پولیس بین صفوف افراد پراکنده به نظر می رسد. بدون کدام تاخیر از کنار مردم رد شدم و در آخر صف پشت سر دیگران ایستادم.

نفر پیش رویم پرسید: "بیادر تو را چطور ماند در صف ایستاد شوی؟"

پرسیدم: "چرا؟"

گفت: "باید اول آنجا نیم ساعت یا یک ساعت بنشینم تا نوبت ات برسد".

گفتم: "پولیس مانع من نشد؛ من نا بلد بودم مستقیم اینجا آمدم".

گفت: "شاید ازینکه سودایی همرايت نبوده توره چیزی نگفته".

هنگامیکه که وارد صف شدم، دیدم که مردم در دو صف جداگانه بین دو راه آهنین باریک در پهلو هم ایستاده اند. من از جمله کسانی بودم که هنوز در صف قرار

داشتم و داخل راه آهنین نشده بودم. بعد از ۲۰ دقیقه انتظار چند نفر پیش رفتند و

من با صد مشکل توانستم دستم را از قفسه راه آهنین بگیرم. راه آهنین شبیه یک فارم گاو‌داری است که تقریباً سه صد متر طول دارد و با سقف آهنی پوشانده شده است.

هرگاه داخل این سالن تنگ و طولانی شوی خود را درست یک زندانی حس می کنی،

زیرا برای بیرون رفتن راه دیگری وجود ندارد. هر انسانی که در داخل این زندان

طویل و باریک قرار گیرد آرزو می کند هر چه زودتر از داخل این قفس تنگ بیرون شود. درست مثل کسانی که در زندان هستند

و آرزو بیرون شدن از زندان را کنند. تمام کسانی که داخل این سالن آهنی قرار می

گیرند، باید حد اقل برای مدت دو ساعت زندانی باشند، تا بتوانند به ملاقات اقارب و

دوستان موفق شوند. ملاقات زندانیان فقط

نیم ساعت است و کسی نمیتواند بیشتر از آن با زندانیان خودش ملاقات داشته باشد.

در انتهای این راه باریک در هر دو سمت چهار نفر پولیس به فاصله دو متری از هم

طوری قرار گرفته بودند که دو نفر اول اقارب زندانیان (ملاقاتی‌ها) را تلاشی می کردند و

دو نفر دیگر بعد از مرحله اول تلاشی دوباره به تلاشی بدنی مشغول می شدند. در این

موقع چهار نفر پولیس اجناس و سودایی که توسط ملاقات کنندگان برای زندانی‌ها

آورده شده، به صورت غیر انسانی تلاشی می کردند. تمام اجناس (ساکها یا بوجی

ها) روی میز کهنه انداخته شده و به ترتیب تلاشی می کردند و اجناس مورد علاقه و

ضرورت خویش را غیر قانونی خوانده در محل جداگانه می گذارند. سه متر دورتر

باز هم دو نفر پولیس در دو سمت ایستاده بودند و کسانی که قبلاً تلاشی شده بودند

مجدداً تلاشی می نمودند و آنها را در یک صف دیگر در پیش دروازه اصلی زندان

برای عکس برداری کمپیوتری رهنمایی می کردند. بعد از نیم ساعت توقف در آن

محل، نوبت عکس گرفتن رسید. نام و نام پدر ملاقاتی را به همراه اسم زندانی از نزد

شخص می پرسیدند و در یک کتابچه درج مینمودند و توسط یک کامره دیجیتالی عکس

شخص ملاقاتی را می گرفتند. در بیرون از اتاق، یک نفر پولیس با قلم مارکر (Marker

Permanent) آستین دست راست ملاقاتی را بالا میزد و یک امضاء جانانه با طول و

عرض ۲۰ سانتی در ۱۰ سانتی می نمود. البته رنگ این مارکر از نوعی است که به

زودی پاک نمی شود. دو متر دورتر پولیس دیگری دست ملاقاتی را مهر می کرد. محل

مهر درست روی امضائی که قبلاً شده بود، قرار می گرفت. در کنار این پولیس

، پولیس دیگری باز هم مهر دیگری را به دست ملاقاتی می زد. باز هم دو متر دورتر

پولیس دیگری با خودکار امضای دیگری را در جمع مهرها و امضاها اضافه می کرد،

طوری که دیگر روی ساقه دست جائی برای امضاء باقی نمی ماند. بعد از این اقدامات،

نوبت آن می رسید که از دروازه عمومی داخل

صحن زندان شویم.

جالب اینجاست که در دروازه پائینی که می گفتند در آنجا زندانیانی که از گونتانامو

آورده اند، زندانی می باشند، نه پولیسی وجود داشت و نه تلاشی در کار بود و تنها

فرقی که درینجا دیده می شد، رفت و آمد خارجی‌ها در این منطقه بود. زندانی‌های

جنائی در بلاک‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ و ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۸ و ۱۲۹ و ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۱ و ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۷ و ۱۷۸ و ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ و ۱۸۸ و ۱۸۹ و ۱۹۰ و ۱۹۱ و ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۱ و ۲۰۲ و ۲۰۳ و ۲۰۴ و ۲۰۵ و ۲۰۶ و ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۱۳ و ۲۱۴ و ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۲۱۷ و ۲۱۸ و ۲۱۹ و ۲۲۰ و ۲۲۱ و ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۲۲۵ و ۲۲۶ و ۲۲۷ و ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۳۲ و ۲۳۳ و ۲۳۴ و ۲۳۵ و ۲۳۶ و ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ و ۲۴۰ و ۲۴۱ و ۲۴۲ و ۲۴۳ و ۲۴۴ و ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۰ و ۲۵۱ و ۲۵۲ و ۲۵۳ و ۲۵۴ و ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۵۷ و ۲۵۸ و ۲۵۹ و ۲۶۰ و ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ و ۲۶۴ و ۲۶۵ و ۲۶۶ و ۲۶۷ و ۲۶۸ و ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۲ و ۲۷۳ و ۲۷۴ و ۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۷ و ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۲۸۰ و ۲۸۱ و ۲۸۲ و ۲۸۳ و ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۲۸۸ و ۲۸۹ و ۲۹۰ و ۲۹۱ و ۲۹۲ و ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۲۹۵ و ۲۹۶ و ۲۹۷ و ۲۹۸ و ۲۹۹ و ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۳ و ۳۰۴ و ۳۰۵ و ۳۰۶ و ۳۰۷ و ۳۰۸ و ۳۰۹ و ۳۱۰ و ۳۱۱ و ۳۱۲ و ۳۱۳ و ۳۱۴ و ۳۱۵ و ۳۱۶ و ۳۱۷ و ۳۱۸ و ۳۱۹ و ۳۲۰ و ۳۲۱ و ۳۲۲ و ۳۲۳ و ۳۲۴ و ۳۲۵ و ۳۲۶ و ۳۲۷ و ۳۲۸ و ۳۲۹ و ۳۳۰ و ۳۳۱ و ۳۳۲ و ۳۳۳ و ۳۳۴ و ۳۳۵ و ۳۳۶ و ۳۳۷ و ۳۳۸ و ۳۳۹ و ۳۴۰ و ۳۴۱ و ۳۴۲ و ۳۴۳ و ۳۴۴ و ۳۴۵ و ۳۴۶ و ۳۴۷ و ۳۴۸ و ۳۴۹ و ۳۵۰ و ۳۵۱ و ۳۵۲ و ۳۵۳ و ۳۵۴ و ۳۵۵ و ۳۵۶ و ۳۵۷ و ۳۵۸ و ۳۵۹ و ۳۶۰ و ۳۶۱ و ۳۶۲ و ۳۶۳ و ۳۶۴ و ۳۶۵ و ۳۶۶ و ۳۶۷ و ۳۶۸ و ۳۶۹ و ۳۷۰ و ۳۷۱ و ۳۷۲ و ۳۷۳ و ۳۷۴ و ۳۷۵ و ۳۷۶ و ۳۷۷ و ۳۷۸ و ۳۷۹ و ۳۸۰ و ۳۸۱ و ۳۸۲ و ۳۸۳ و ۳۸۴ و ۳۸۵ و ۳۸۶ و ۳۸۷ و ۳۸۸ و ۳۸۹ و ۳۹۰ و ۳۹۱ و ۳۹۲ و ۳۹۳ و ۳۹۴ و ۳۹۵ و ۳۹۶ و ۳۹۷ و ۳۹۸ و ۳۹۹ و ۴۰۰ و ۴۰۱ و ۴۰۲ و ۴۰۳ و ۴۰۴ و ۴۰۵ و ۴۰۶ و ۴۰۷ و ۴۰۸ و ۴۰۹ و ۴۱۰ و ۴۱۱ و ۴۱۲ و ۴۱۳ و ۴۱۴ و ۴۱۵ و ۴۱۶ و ۴۱۷ و ۴۱۸ و ۴۱۹ و ۴۲۰ و ۴۲۱ و ۴۲۲ و ۴۲۳ و ۴۲۴ و ۴۲۵ و ۴۲۶ و ۴۲۷ و ۴۲۸ و ۴۲۹ و ۴۳۰ و ۴۳۱ و ۴۳۲ و ۴۳۳ و ۴۳۴ و ۴۳۵ و ۴۳۶ و ۴۳۷ و ۴۳۸ و ۴۳۹ و ۴۴۰ و ۴۴۱ و ۴۴۲ و ۴۴۳ و ۴۴۴ و ۴۴۵ و ۴۴۶ و ۴۴۷ و ۴۴۸ و ۴۴۹ و ۴۵۰ و ۴۵۱ و ۴۵۲ و ۴۵۳ و ۴۵۴ و ۴۵۵ و ۴۵۶ و ۴۵۷ و ۴۵۸ و ۴۵۹ و ۴۶۰ و ۴۶۱ و ۴۶۲ و ۴۶۳ و ۴۶۴ و ۴۶۵ و ۴۶۶ و ۴۶۷ و ۴۶۸ و ۴۶۹ و ۴۷۰ و ۴۷۱ و ۴۷۲ و ۴۷۳ و ۴۷۴ و ۴۷۵ و ۴۷۶ و ۴۷۷ و ۴۷۸ و ۴۷۹ و ۴۸۰ و ۴۸۱ و ۴۸۲ و ۴۸۳ و ۴۸۴ و ۴۸۵ و ۴۸۶ و ۴۸۷ و ۴۸۸ و ۴۸۹ و ۴۹۰ و ۴۹۱ و ۴۹۲ و ۴۹۳ و ۴۹۴ و ۴۹۵ و ۴۹۶ و ۴۹۷ و ۴۹۸ و ۴۹۹ و ۵۰۰ و ۵۰۱ و ۵۰۲ و ۵۰۳ و ۵۰۴ و ۵۰۵ و ۵۰۶ و ۵۰۷ و ۵۰۸ و ۵۰۹ و ۵۱۰ و ۵۱۱ و ۵۱۲ و ۵۱۳ و ۵۱۴ و ۵۱۵ و ۵۱۶ و ۵۱۷ و ۵۱۸ و ۵۱۹ و ۵۲۰ و ۵۲۱ و ۵۲۲ و ۵۲۳ و ۵۲۴ و ۵۲۵ و ۵۲۶ و ۵۲۷ و ۵۲۸ و ۵۲۹ و ۵۳۰ و ۵۳۱ و ۵۳۲ و ۵۳۳ و ۵۳۴ و ۵۳۵ و ۵۳۶ و ۵۳۷ و ۵۳۸ و ۵۳۹ و ۵۴۰ و ۵۴۱ و ۵۴۲ و ۵۴۳ و ۵۴۴ و ۵۴۵ و ۵۴۶ و ۵۴۷ و ۵۴۸ و ۵۴۹ و ۵۵۰ و ۵۵۱ و ۵۵۲ و ۵۵۳ و ۵۵۴ و ۵۵۵ و ۵۵۶ و ۵۵۷ و ۵۵۸ و ۵۵۹ و ۵۶۰ و ۵۶۱ و ۵۶۲ و ۵۶۳ و ۵۶۴ و ۵۶۵ و ۵۶۶ و ۵۶۷ و ۵۶۸ و ۵۶۹ و ۵۷۰ و ۵۷۱ و ۵۷۲ و ۵۷۳ و ۵۷۴ و ۵۷۵ و ۵۷۶ و ۵۷۷ و ۵۷۸ و ۵۷۹ و ۵۸۰ و ۵۸۱ و ۵۸۲ و ۵۸۳ و ۵۸۴ و ۵۸۵ و ۵۸۶ و ۵۸۷ و ۵۸۸ و ۵۸۹ و ۵۹۰ و ۵۹۱ و ۵۹۲ و ۵۹۳ و ۵۹۴ و ۵۹۵ و ۵۹۶ و ۵۹۷ و ۵۹۸ و ۵۹۹ و ۶۰۰ و ۶۰۱ و ۶۰۲ و ۶۰۳ و ۶۰۴ و ۶۰۵ و ۶۰۶ و ۶۰۷ و ۶۰۸ و ۶۰۹ و ۶۱۰ و ۶۱۱ و ۶۱۲ و ۶۱۳ و ۶۱۴ و ۶۱۵ و ۶۱۶ و ۶۱۷ و ۶۱۸ و ۶۱۹ و ۶۲۰ و ۶۲۱ و ۶۲۲ و ۶۲۳ و ۶۲۴ و ۶۲۵ و ۶۲۶ و ۶۲۷ و ۶۲۸ و ۶۲۹ و ۶۳۰ و ۶۳۱ و ۶۳۲ و ۶۳۳ و ۶۳۴ و ۶۳۵ و ۶۳۶ و ۶۳۷ و ۶۳۸ و ۶۳۹ و ۶۴۰ و ۶۴۱ و ۶۴۲ و ۶۴۳ و ۶۴۴ و ۶۴۵ و ۶۴۶ و ۶۴۷ و ۶۴۸ و ۶۴۹ و ۶۵۰ و ۶۵۱ و ۶۵۲ و ۶۵۳ و ۶۵۴ و ۶۵۵ و ۶۵۶ و ۶۵۷ و ۶۵۸ و ۶۵۹ و ۶۶۰ و ۶۶۱ و ۶۶۲ و ۶۶۳ و ۶۶۴ و ۶۶۵ و ۶۶۶ و ۶۶۷ و ۶۶۸ و ۶۶۹ و ۶۷۰ و ۶۷۱ و ۶۷۲ و ۶۷۳ و ۶۷۴ و ۶۷۵ و ۶۷۶ و ۶۷۷ و ۶۷۸ و ۶۷۹ و ۶۸۰ و ۶۸۱ و ۶۸۲ و ۶۸۳ و ۶۸۴ و ۶۸۵ و ۶۸۶ و ۶۸۷ و ۶۸۸ و ۶۸۹ و ۶۹۰ و ۶۹۱ و ۶۹۲ و ۶۹۳ و ۶۹۴ و ۶۹۵ و ۶۹۶ و ۶۹۷ و ۶۹۸ و ۶۹۹ و ۷۰۰ و ۷۰۱ و ۷۰۲ و ۷۰۳ و ۷۰۴ و ۷۰۵ و ۷۰۶ و ۷۰۷ و ۷۰۸ و ۷۰۹ و ۷۱۰ و ۷۱۱ و ۷۱۲ و ۷۱۳ و ۷۱۴ و ۷۱۵ و ۷۱۶ و ۷۱۷ و ۷۱۸ و ۷۱۹ و ۷۲۰ و ۷۲۱ و ۷۲۲ و ۷۲۳ و ۷۲۴ و ۷۲۵ و ۷۲۶ و ۷۲۷ و ۷۲۸ و ۷۲۹ و ۷۳۰ و ۷۳۱ و ۷۳۲ و ۷۳۳ و ۷۳۴ و ۷۳۵ و ۷۳۶ و ۷۳۷ و ۷۳۸ و ۷۳۹ و ۷۴۰ و ۷۴۱ و ۷۴۲ و ۷۴۳ و ۷۴۴ و ۷۴۵ و ۷۴۶ و ۷۴۷ و ۷۴۸ و ۷۴۹ و ۷۵۰ و ۷۵۱ و ۷۵۲ و ۷۵۳ و ۷۵۴ و ۷۵۵ و ۷۵۶ و ۷۵۷ و ۷۵۸ و ۷۵۹ و ۷۶۰ و ۷۶۱ و ۷۶۲ و ۷۶۳ و ۷۶۴ و ۷۶۵ و ۷۶۶ و ۷۶۷ و ۷۶۸ و ۷۶۹ و ۷۷۰ و ۷۷۱ و ۷۷۲ و ۷۷۳ و ۷۷۴ و ۷۷۵ و ۷۷۶ و ۷۷۷ و ۷۷۸ و ۷۷۹ و ۷۸۰ و ۷۸۱ و ۷۸۲ و ۷۸۳ و ۷۸۴ و ۷۸۵ و ۷۸۶ و ۷۸۷ و ۷۸۸ و ۷۸۹ و ۷۹۰ و ۷۹۱ و ۷۹۲ و ۷۹۳ و ۷۹۴ و ۷۹۵ و ۷۹۶ و ۷۹۷ و ۷۹۸ و ۷۹۹ و ۸۰۰ و ۸۰۱ و ۸۰۲ و ۸۰۳ و ۸۰۴ و ۸۰۵ و ۸۰۶ و ۸۰۷ و ۸۰۸ و ۸۰۹ و ۸۱۰ و ۸۱۱ و ۸۱۲ و ۸۱۳ و ۸۱۴ و ۸۱۵ و ۸۱۶ و ۸۱۷ و ۸۱۸ و ۸۱۹ و ۸۲۰ و ۸۲۱ و ۸۲۲ و ۸۲۳ و ۸۲۴ و ۸۲۵ و ۸۲۶ و ۸۲۷ و ۸۲۸ و ۸۲۹ و ۸۳۰ و ۸۳۱ و ۸۳۲ و ۸۳۳ و ۸۳۴ و ۸۳۵ و ۸۳۶ و ۸۳۷ و ۸۳۸ و ۸۳۹ و ۸۴۰ و ۸۴۱ و ۸۴۲ و ۸۴۳ و ۸۴۴ و ۸۴۵ و ۸۴۶ و ۸۴۷ و ۸۴۸ و ۸۴۹ و ۸۵۰ و ۸۵۱ و ۸۵۲ و ۸۵۳ و ۸۵۴ و ۸۵۵ و ۸۵۶ و ۸۵۷ و ۸۵۸ و ۸۵۹ و ۸۶۰ و ۸۶۱ و ۸۶۲ و ۸۶۳ و ۸۶۴ و ۸۶۵ و ۸۶۶ و ۸۶۷ و ۸۶۸ و ۸۶۹ و ۸۷۰ و ۸۷۱ و ۸۷۲ و ۸۷۳ و ۸۷۴ و ۸۷۵ و ۸۷۶ و ۸۷۷ و ۸۷۸ و ۸۷۹ و ۸۸۰ و ۸۸۱ و ۸۸۲ و ۸۸۳ و ۸۸۴ و ۸۸۵ و ۸۸۶ و ۸۸۷ و ۸۸۸ و ۸۸۹ و ۸۹۰ و ۸۹۱ و ۸۹۲ و ۸۹۳ و ۸۹۴ و ۸۹۵ و ۸۹۶ و ۸۹۷ و ۸۹۸ و ۸۹۹ و ۹۰۰ و ۹۰۱ و ۹۰۲ و ۹۰۳ و ۹۰۴ و ۹۰۵ و ۹۰۶ و ۹۰۷ و ۹۰۸ و ۹۰۹ و ۹۱۰ و ۹۱۱ و ۹۱۲ و ۹۱۳ و ۹۱۴ و ۹۱۵ و ۹۱۶ و ۹۱۷ و ۹۱۸ و ۹۱۹ و ۹۲۰ و ۹۲۱ و ۹۲۲ و ۹۲۳ و ۹۲۴ و ۹۲۵ و ۹۲۶ و ۹۲۷ و ۹۲۸ و ۹۲۹ و ۹۳۰ و ۹۳۱ و ۹۳۲ و ۹۳۳ و ۹۳۴ و ۹۳۵ و ۹۳۶ و ۹۳۷ و ۹۳۸ و ۹۳۹ و ۹۴۰ و ۹۴۱ و ۹۴۲ و ۹۴۳ و ۹۴۴ و ۹۴۵ و ۹۴۶ و ۹۴۷ و ۹۴۸ و ۹۴۹ و ۹۵۰ و ۹۵۱ و ۹۵۲ و ۹۵۳ و ۹۵۴ و ۹۵۵ و ۹۵۶ و ۹۵۷ و ۹۵۸ و ۹۵۹ و ۹۶۰ و ۹۶۱ و ۹۶۲ و ۹۶۳ و ۹۶۴ و ۹۶۵ و ۹۶۶ و ۹۶۷ و ۹۶۸ و ۹۶۹ و ۹۷۰ و ۹۷۱ و ۹۷۲ و ۹۷۳ و ۹۷۴ و ۹۷۵ و ۹۷۶ و ۹۷۷ و ۹۷۸ و ۹۷۹ و ۹۸۰ و ۹۸۱ و ۹۸۲ و ۹۸۳ و ۹۸۴ و ۹۸۵ و ۹۸۶ و ۹۸۷ و ۹۸۸ و ۹۸۹ و ۹۹۰ و ۹۹۱ و ۹۹۲ و ۹۹۳ و ۹۹۴ و ۹۹۵ و ۹۹۶ و ۹۹۷ و ۹۹۸ و ۹۹۹ و ۱۰۰۰ و ۱۰۰۱ و ۱۰۰۲ و ۱۰۰۳ و ۱۰۰۴ و ۱۰۰۵ و ۱۰۰۶ و ۱۰۰۷ و ۱۰۰۸ و ۱۰۰۹ و ۱۰۱۰ و ۱۰۱۱ و ۱۰۱۲ و ۱۰۱۳ و ۱۰۱۴ و ۱۰۱۵ و ۱۰۱۶ و ۱۰۱۷ و ۱۰۱۸ و ۱۰۱۹ و ۱۰۲۰ و ۱۰۲۱ و ۱۰۲۲ و ۱۰۲۳ و ۱۰۲۴ و ۱۰۲۵ و ۱۰۲۶ و ۱۰۲۷ و ۱۰۲۸ و ۱۰۲۹ و ۱۰۳۰ و ۱۰۳۱ و ۱۰۳۲ و ۱۰۳۳ و ۱۰۳۴ و ۱۰۳۵ و ۱۰۳۶ و ۱۰۳۷ و ۱۰۳۸ و ۱۰۳۹ و ۱۰۴۰ و ۱۰۴۱ و ۱۰۴۲ و ۱۰۴۳ و ۱۰۴۴ و ۱۰۴۵ و ۱۰۴۶ و ۱۰۴۷ و ۱۰۴۸ و ۱۰۴۹ و ۱۰۵۰ و ۱۰۵۱ و ۱۰۵۲ و ۱۰۵۳ و ۱۰۵۴ و ۱۰۵۵ و ۱۰۵۶ و ۱۰۵۷ و ۱۰۵۸ و ۱۰۵۹ و ۱۰۶۰ و ۱۰۶۱ و ۱۰۶۲ و ۱۰۶۳ و ۱۰۶۴ و ۱۰۶۵ و ۱۰۶۶ و ۱۰۶۷ و ۱۰۶۸ و ۱۰۶۹ و ۱۰۷۰ و ۱۰۷۱ و ۱۰۷۲ و ۱۰۷۳ و ۱۰۷۴ و ۱۰۷۵ و ۱۰۷۶ و ۱۰۷۷ و ۱۰۷۸ و ۱۰۷۹ و ۱۰۸۰ و ۱۰۸۱ و ۱۰۸۲ و ۱۰۸۳ و ۱۰۸۴ و ۱۰۸۵ و ۱۰۸۶ و ۱۰۸۷ و ۱۰۸۸ و ۱۰۸۹ و ۱۰۹۰ و ۱۰۹۱ و ۱۰۹۲ و ۱۰۹۳ و ۱۰۹۴ و ۱۰۹۵ و ۱۰۹۶ و ۱۰۹۷ و ۱۰۹۸ و ۱۰۹۹ و ۱۱۰۰ و ۱۱۰۱ و ۱۱۰۲ و ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ و ۱۱۰۵ و ۱۱۰۶ و ۱۱۰۷ و ۱۱۰۸ و ۱۱۰۹ و ۱۱۱۰ و ۱۱۱۱ و ۱۱۱۲ و ۱۱۱۳ و ۱۱۱۴ و ۱۱۱۵ و ۱۱۱۶ و ۱۱۱۷ و ۱۱۱۸ و ۱۱۱۹ و ۱۱۲۰ و ۱۱۲۱ و ۱۱۲۲ و ۱۱۲۳ و ۱۱۲۴ و ۱۱۲۵ و ۱۱۲۶ و ۱۱۲۷ و ۱۱۲۸ و ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ و ۱۱۳۱ و ۱۱۳۲ و ۱۱۳۳ و ۱۱۳۴ و ۱۱۳۵ و ۱۱۳۶ و ۱۱۳۷ و ۱۱۳۸ و ۱۱۳۹ و ۱۱۴۰ و ۱۱۴۱ و ۱۱۴۲ و ۱۱۴۳ و ۱۱۴۴ و ۱۱۴۵ و ۱۱۴۶ و ۱۱۴۷ و ۱۱۴۸ و ۱۱۴۹ و ۱۱۵۰ و ۱۱۵۱ و ۱۱۵۲ و ۱۱۵۳ و ۱۱۵۴ و ۱۱۵۵ و ۱۱۵۶ و ۱۱۵۷ و ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹ و ۱۱۶۰ و ۱۱۶۱ و ۱۱۶۲ و ۱۱۶۳ و ۱۱۶۴ و ۱۱۶۵ و ۱۱۶۶ و ۱۱۶۷ و ۱۱۶۸ و ۱

برای بیرون شدن از بلاک، پشت دروازه عمومی حدود یک الی دو ساعت معطل باشند، درین هنگام تمامی زندانی ها در اتاق های شان راهنمایی میشوند بعد از آن اجازه خروج از زندان برای ملاقاتی ها داده میشود.

بعد از اینکه زندانیان دوباره به سلول هایشان برده شدند؛ دروازه بلاک باز شد. یک نفر پولیس با قلم خودکار دستهای تمامی ملاقات کننده گانی را که درصف ایستاده بودند تک به تک یک خط تیره کشید. بعد از این مرحله برای رسیدن به عقب دروازه عمومی چند صف ده نفری به فاصله های پنجاه متری از هم توسط پولیس ردیف شد. ملاقاتی ها زمان سپری شدن در این صف را نیز باید تحمل میکردند. این صفوف بالاخره در پشت دروازه عمومی یکجا گردید و به یک صف چند صد نفری مبدل شد. درست در کنار دروازه عمومی

کامپیوترکار و عکاس در یک فضای باز عکسها را یکی یکی بررسی نمودند. ازینجا عبور نمودیم. ملاقاتی ها باید هریک بصورت جداگانه دست خود را به پولیسی که دم دروازه ایستاده بود نشان میدادند، تا تمامی مهر و امضاء ها را خط زند و بعدا اجازه خروج از زندان پلچرخی کابل برای ملاقاتی ها داده میشد. به این ترتیب یک پای واز(ملاقاتی) باید حداقل پنج الی هفت ساعت پرمشقت را از وقت تلف کند، تا بتواند باز زندانی خود برای نیم ساعت ملاقات داشته باشد. طبق قواعد ومقررات زندان پلچرخی، مدت زمان ملاقات ماهوار دو مرتبه صورت میگردد. این است نظم و دیسپلین دولت پوشالی در زندان پلچرخی کابل. از آنجائیکه امپریالیستهای متجاوزواشغالگرا میکانی و متحدین شان طبق یک طرح و نقشه استراتژیک جهانی و

منطقوی همه جانبه و درازمدت به افغانستان تجاوز کرده و آنرا اشغال کرده اند، بدلخواه خودشان بزودی ازکشور نخواهند رفت ومیخواهند بصورت درازمدت دراینجا بمانند. ازاین جهت آنها حاکمیت دست نشانده شان را به قسمی شکل داده ومیدهند که ازهرلحاظ موجودیت وقدرتش وابسته به موجودیت قوای اشغالگرا امپریالیستی باشد، به ویژه از لحاظ دفاعی و امنیتی؛ بدین اساس رفتار پولیس رژیم پوشالی با اقارب زندانیان نیز نمیتواند غیر از طرح وپلانی باشد که امپریالیزم خواهان آن است. من فقط آنچه را با چشمانم دیدم به عنوان گزارشی به پیکارجوانان ارائه میدرام و از بررسی و تحلیل قضایا پیرامون مسئله خودداری میکنم و این قضاوت را به خوانندگان (پیکار جوانان - نشریه عمومی جنبش انقلابی جوانان افغانستان) واگذار مینمایم.

سرنوشت معلم در گرو آزادی کشور

روز معلم، روز تبارز اندیشه ها، روز ارائه خواستها و روزی که باید معلمان لب به سخن گشایند، فرارسیده است. در این روز سخن از ستم باید گفت و جلوه های گوناگونش را افشاء باید کرد. سخن از ستمگران باید گفت و نقاب از چهره هایشان باید درید. سخن از ستمدیدگان باید گفت و آنان را از ستم و ستمگران و ستم رسیدگی خود شان واقف ساخت. "جنبش انقلابی جوانان افغانستان" در خدمت این افشاگری و نقاب دری بر محور مقاومت ملی، مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و دولت دست نشانده قرار دارد.

برهمگان هویدا است که دولت دست نشانده - این خادم امپریالیزم - دایما در تلاش است که به تمامی خواسته های صنفی و سیاسی معلمان کشور جواب سرکوب داده و بعداً با تجلیل روز معلم آنرا مرحم نماید.

مگر میتوان، اعتصاب صنفی معلمان ولایت فراه، اعتصاب گسترده معلمان لیسسه های متعدد ولایت هرات که با پشتیبانی ولایات فاریاب، جوزجان و بلخ همراه بود و همچنان اعتصاب معلمان لیسسه ذکور لشکرگاه در سال ۱۳۸۴ که بصورت پیهم و گسترده صورت

گرفت، را به فراموشی سپرد؟ اعتصاب هائی که بخاطر حقوق حقه معلمان براه افتاد و بعد از هر اعتصاب بی نتیجه باقی مانده و با وعده های سرخرمن از طرف رژیم، یا خاموش شدند و یا به شدت سرکوب گشتند!

معلمان زحمتکش کشور هیچگاه فراموش نخواهند کرد که رژیم چگونه و با چه نیرنگی، به سرکوب و زندانی کردن استادان مکاتب شهر کابل، اعتراضات حق طلبانه شان را در سال گذشته خاموش ساخت.

آیا مقامات رژیم دست نشانده بارها وعده ازدیاد و ارتقاء معاشهای استادان و معلمان کشور را از پنجاه دالر الی صد دالر و از صد دالر الی هشت صد دالر ندادند؟

تمام این واقعیت ها نشان می دهند که در کشور مستعمره - نیمه فئودال افغانستان، نه تنها برای بیان خواسته های سیاسی آزادی وجود ندارد؛ بلکه درمقابل خواست های صنفی واقتصادی نیز با سر نیزه جواب گفته می شود!

چه دلایل وجود دارند که اعتصابات معلمان کشور به شکست مواجه میشود؟ اولاً، برای اکثریت معلمان کشور درک روشنی از ماهیت

رژیم دست نشانده وجود ندارد. ثانیاً، اکثریت معلمان فاقد موضعگیری سیاسی روشن و قاطع در مقابل رژیم و حامیان اشغالگرش، میباشند. ثالثاً، هرگونه اعتصاب معلمان از پشتیبانی شاگردان برخوردار نبوده و درین راستا هیچگونه فعالیتی هم از طرف معلمان در داخل مکاتب صورت نگرفته است.

معلمان باید به این سطح از درک برسند که حق گرفتنی است، نه دادنی. معلمان بدون داشتن موضعگیری روشن و قاطع سیاسی، درحقیقت امر زمینه شکست اعتصابات شان را با اندک فشار، از سوی رژیم پوشالی مساعد ساخته اند. معلمان باید به این سطح از درک برسند که هیچوقت نباید به وعده های دروغین امپریالیستها و رژیم دست نشانده اش فریفته شده و منتظر رحم وشفقت آنها باشند. رژیم دست نشانده تحت اوامر نیروهای اشغالگرا امپریالیستی است و هیچگونه توجه ی به خواسته های برحق مردمان ستمدیده این دیار ندارد؛ مگر اینکه بر اثر مبارزات توده های رنج دیده، بالای شان تحمیل شود. مهمترین مسئله این است که طرح خواست های صنفی و پیشبرد مبارزات صنفی در صورت برخوردار

دست نشانده و ایجاد حکومت ملی، مردمی و انقلابی میباشد و بس!
تجارب به اثبات رسانده است که این رژیم با خواست ها و نیازمندیهای معلمان واقعی نمی نهد. این رژیم نقشه مندانه و حساب شده برای رشد و ارتقای علمی تلاش نمی کند و آگاهانه سطح سواد را پایین نگه می دارد.
آگاهی دادن به جوانان و بلند بردن شعور سیاسی در جهت نجات از اسارت و بنده گی کشور و مردمان کشور وظیفه مقدس همه ماست.

بریده باد دستی که به معلم ستم میکند!
جاویدان باد همبستگی معلمان سراسر کشور!
جنبش انقلابی جوانان افغانستان
۳ جوزای ۱۳۸۸

و تا رسیدن بحقوق پامال شده تا پای جان بی دریغ مبارزه نماید.
معلمان شرافتمند کشور!
آگاه باشید! تحت این نظام هیچ دردی، مداوا نخواهد شد. برای مداوای درد باید حرکت آگاهانه و قدم های استوار در جهت رفع کلیه نابرابری ها، ستم و استثمار برداشته شود. باید دسیسه ها و چهره های خائنه تمام خائنین ملی را افشاء نمود، باید به شاگردان درس ایثار و فداکاری آموخت، باید منسجم و منظم شد و برای تنظیم و وحدت توده ها جدیت به خرج داد، دوست و دشمن رابه خوبی از همدیگر تمیز کرد، با دوستان متحد گردید و به نابودی دشمنان کوشید. یگانه راه حل دردهای معلمان و سایر زحمتکشان کشور فقط و فقط بیرون راندن نیروهای اشغالگر و نابودی رژیم

از حمایت های سیاسی ملی، مردمی و انقلابی، سبب تقویت این مبارزات میگردد. علاوه بر این پشتیبانی شاگردان از آنها در هر حرکتی بسیار حیاتی است. بر مبنای همین دلایل باید به شاگردان آگاهی سیاسی داده شود؛ زیرا فقط نسل آگاه و روشن بین می تواند، در هر حالت و اوضاع، موضعگیری درست و اصولی اختیار کنند. اگر موضعگیری روشن و آشکار اتخاذ نشود و روشنگری و آگاهی دهی صورت نگیرد، هرگونه خواست حق طلبانه معلمان در واقع حکم گدائی از رژیم را دارد و رژیم گدا صفت ذاتا نمیتواند، طلب گدائی را لیبیک گوید.
دفاع از حقوق غصب شده معلم امریست که باید توسط یک کانون غیر وابسته و مستقل از رژیم بنام اتحادیه واقعی معلمان مطرح گردد

گرامی باد اول ماه می (روز جهانی کارگر)

اول ماه می ۲۰۰۹ مصادف با ۱۱ ثور ۱۳۸۸ خورشیدی، روز جهانی کارگر، روز همبستگی مبارزاتی کارگران سراسر جهان است.

در این روز، میلیون ها تن از کارگران در سراسر جهان به جاده ها رو می آورند و با خواست نابودی استثمار و بهره کشی، جنگ و سرکوب، تبعیض نژادی و جنسی، تبعیض ملی و مذهبی و بطور کلی بر علیه همه جلوه های ستم در جوامع طبقاتی، درفش انقلابی یک دنیای نوین انسانی، دنیای فارغ از استثمار و ستم، فارغ از غل و زنجیر و نابرابری را برمی افزایند.
طبقه کارگر در سراسر جهان، در شرایطی به استقبال اول ماه می میرود که امپریالیزم لجام گسیخته به مثابه آخرین و بالاترین مرحله نظام گنبدیده سرمایه داری، در یک بحران عمیق اقتصادی دست و پا میزند و درست به همین دلیل است که نه تنها بر دامنه و شدت تهاجم عنان گسیخته و غارتگرانه خود به حیات و معاش کارگران و خلق های ستمدیده در سراسر دنیا با وحشیگری هرچه تمامتر افزوده اند، بلکه برای کسب سهم بیشتری از منافع حاصل از غارت توده های ستمدیده در جوامع تحت سلطه علی الخصوص افغانستان و عراق و گسترش بازارهای نفوذ و دستیابی به ثروت های طبیعی و منابع انرژی، به اشکال مختلف، جدالهای سیاسی، اقتصادی و تجاوزات نظامی را تشدید بخشیده اند.

به موازات این روند، گرایش فزاینده نظام سرمایه داری امپریالیستی به اعمال قهر و سرکوب و توسل به نظامیگری و جنگ و ارتجاع، در مواجهه با بحران و مبارزات طبقه کارگر و خلق های ستمدیده، ماهیت ارتجاعی این نظام و ضرورت تغییر بنیادی آن را بیش از هر زمان دیگری در مقابل توده های ستمدیده علی الخصوص توده های ستمدیده افغانستان قرار داده است.
در کشور مستعمره - نیمه فئودال افغانستان که استقلال، آزادی و تمامیت ارضی مردمان آن زیر چکمه های ارتش متجاوز ۴۰ کشور امپریالیستی و ارتجاعی خارجی به رهبری امپریالیزم لجام گسیخته امریکا خورد و خمیر و حاکمیت پویشالی رژیم دست نشانده بر مردمان آن تحمیل گردیده است. بیکاری، بیماری، فقر، گرسنگی و اخراج مداوم کارگران از کار، نبود حداقل حقوق و مزایای اجتماعی، دستمزد بخور و نمیری که پرداخت آن ماه ها به تعویق می افتد، فقدان هرگونه حقوق صنفی و سیاسی و بالاخره سرکوب بی وقفه و بیرحمانه کوچکترین اعتراضات و مبارزات کارگران هر روز بیشتر از پیش تشدید میگردد.

در موجودیت اینچنین فضای وحشتبار است که طبقه کارگر بیش از هر زمان دیگر نیاز به ایدئولوژی و سیاست انقلابی دارد. بیش از هر زمان دیگر نیاز به پرورش صدها رهبر سیاسی زنده و هوشیار دارد. بیش از هر زمان دیگر نیاز به یک جنبش انقلابی با پلان فرم صریح و روشن دارد. اگر ما کارگران را مجهز به یک دیدگاه روشن از جو سیاسی پیچیده کنونی افغانستان و تفکیک درست نیروهای دوست و دشمن نکنیم، اگر روند اخراج قوای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست نشانده را بدست خود مردم تشدید نکنیم، اگر ما آماده مبارزه ملی، مردمی و انقلابی در سطح کل کشور نشویم و اگر از فرصت ها استفاده اعظمی به عمل نیاوریم؛ طبیعی است که چالش ها به خطرات بالفعل تبدیل خواهند شد.

پس با توجه به رسالت تاریخی نیروی انقلابی آگاه و با توجه به تعهد خرائین به منافع علیای توده ها و کشور با تمام قوت و توان به پیش!

زنده باد روز همبستگی بین المللی کارگران جهان!

به پیش در راه برپائی و پیشبرد

مقاومت ملی مردمی و انقلابی

علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم پושالی

جنبش انقلابی جوانان افغانستان و دسته هشت مارچ زنان افغانستان ۱۰ ثور ۱۳۸۸ خورشیدی

پیام تبریکی به فعالین " هسته کارگری مبارز افغانستان "

دوستان و رفقای عزیز! دروذهای گرم ما را پذیرا شوید!

از صمیم قلب و با آرزوی های بزرگ برای انقلاب افغانستان، تشکیل " هسته کارگری مبارز افغانستان " را به شما تبریک میگوییم.

ما تشکیل " هسته کارگری مبارز افغانستان " را نه تنها دستاوردی برای کارگران افغانستان، بلکه برای سایر اقشار و توده های زحمتکش کشور نیز محسوب مینماییم. امروز کشور ما یکی از سکوهایی پرش امپریالیستهای اشغالگر برای پیاده کردن طرحهای شان در منطقه و جهان است. به این دلیل فعالیت های انقلابی تان برای " جنبش انقلابی جوانان افغانستان " دارای اهمیت ویژه ای است؛ زیرا پیشروی های کارگران مبارز افغانستانی گامی است در جهت تامین حقوق کارگران و سایر زحمتکشان کشور که میتواند تاثیرات مستقیمی در جهت کسب استقلال و آزادی افغانستان ایفاء نماید. به یقین کامل باور داریم که وجود " هسته کارگری مبارز افغانستان " برای " جنبش انقلابی جوانان افغانستان " مایه دلگرمی و قوت قلب است و بدون شک موجب تقویت ما خواهد بود.

باشد تا پیشروی های شما، روحیه کارگران افغانستان را بیشتر از پیش تقویت نماید.

حرکت جسورانه شما، هدف و آرمانی را بیان میدارد که منافع طبقه کارگر ستمدیده افغانستانی را نمایندگی کرده و میتواند افغانستانی خالی از ارتجاع و امپریالیزم را برای آنان به ارمغان آورد.

اکنون که کارگران افغانستانی دارای یک تشکل مستقل کارگری گردیده است، بیشتر از هر زمان دیگر میتوانند، انسجام و تشکل خود را به دست آورده و از انزوا و پراکندگی نجات یابند.

" جنبش انقلابی جوانان افغانستان " از هرگونه همکاری با " هسته کارگری مبارز افغانستان " در جهت اعتلای جنبش کارگری افغانستان دریغ نمیکند.

به امید موفقیت روز افزون همه آزادیخواهان و کارگران مبارز افغانستان

کمیته مسؤل جنبش انقلابی جوانان افغانستان
۱۵ سنبله ۱۳۸۸

کارگران افغانستان باید مستقلانه متشکل شوند

کارگران افغانستان در وضعیت بسیار ناگواری بسر می برند. اکثریت آنها از بیکاری رنج می برند. عده کمی از آنها که کار پیدا می نمایند، یا کارهای شان موقتی و فصلی است و یا مزد کار شان آنقدر ناچیز است که حتی تکافوی مصرف متوسط یک فرد مجرد را هم کرده نمی تواند، چه رسد به مصرف یک خانواده. برنامه باز سازی رژیم مزدور و اربابان خارجی اش، باعث بیکاری و در بدری روز افزون کارگران افغانستان شده است. در چنین شرایطی از یکجانب هر گونه اعتراضات کارگری از طریق سرکوب و یا فریب خوابانده می شوند و از جانب دیگر عرصه های کاری در کشور های همسایه نیز بصورت پیهه بالای کارگران بیکار افغانستانی تنگ تر و تنگ تر می گردد.

بنا برین کارگران افغانستانی بیشتر از هر زمان دیگری نیاز دارند که مستقلانه خود را سازماندهی نمایند و بصورت متشکل برای تامین حقوق شان مبارزه نمایند.

اتحادیه های کارگری فرمایشی، تشکل مبارزاتی مستقل کارگران نیستند. آنها نه می توانند و نه می خواهند کارگران را بخاطر مبارزه برای تامین حقوق شان سازماندهی نمایند. کارگران افغانستان نیاز دارند مستقلانه خود را سازماندهی نمایند. تشکیل هسته کارگری مبارز افغانستان اولین گام درین راستا محسوب می گردد.

هدف ما از تشکیل هسته کارگری مبارز افغانستان عبارت اند از:

- ۱ - یک صدای مستقل برای بیان وضعیت وخیم آنها و اعتراضات بر حق شان به وجود بیاید. این هسته در نظر دارد یک مجله کارگری بنام "کارگران سخن می گویند" را منتشر نماید.
- ۲ - تشویق کارگران در سائر نقاط کشور برای تشکیل هسته های کارگری مبارز.
- ۳ - تلاش برای پیوند دادن مبارزاتی این هسته های کارگری و ایجاد یک تشکیلات کارگری مبارز وسیع در سطح کل کشور.

کارگران برای پیشبرد مبارزات حق طلبانه شان و برای مبارزه در راه ایجاد یک جامعه کاملاً انسانی باید مستقلانه متشکل شوند. تشکیل هسته کارگری مبارز افغانستان، اولین گام مبارزاتی مستقل کارگران افغانستان در این مسیر طولانی مبارزاتی است. یقین کامل داریم که این گام کوچک و ابتدایی مبارزاتی ما نه تنها مورد حمایت شخصیت ها و نیروهای مبارز افغانستانی، بلکه مورد حمایت شخصیت ها و نیروهای مبارز سائر کشور ها، بخصوص تشکلات کارگری مبارز، قرار خواهد گرفت.

هسته کارگری مبارز افغانستان

یازدهم ثور ۱۳۸۸ (اول می ۲۰۰۹)



مطالبات بر حق کارگران کود و برق مزار را حمایت می نمایم

به سلسله حق تلفی های پیهم کارگران افغانستان توسط رژیم مزدور و ضد کارگری، در حدود دو هزار وهفتصد خانواده کارگری ساکن در خانه های کارگری کود و برق مزار با خطر بیکاری و اخراج از منازل شان قرار گرفته اند. مقامات عالیرتبه رژیم قصد دارند کارخانه های کود و برق مزار و همچنان خانه مسکونی مربوط به آنها را، همانند سائر تاسیسات دولتی، از طریق خصوصی سازی به ملکیت شخصی و خانوادگی شان مبدل سازند. برای اجرای این کار در قدم اول تصمیم گرفته اند که کارگران را تحت فشار قرار دهند تا آنها وادار به ترک خانه های شان و رها کردن کار شوند. چندی قبل بنا به دستور رئیس کود و برق، جریان برق خانه های کارگران قطع شده و خانواده های ساکن در این خانه ها شب ها در تاریکی و روزها در گرمای شدید تابستانی بسر می برند. به این ترتیب کارگرانی که تمام روز را برای تولید برق کار می نمایند، خود از برق تولید شده شان محروم ساخته شده اند.

روز سوم سرطان کارگران و خانواده های شان در اعتراض علیه این وضعیت دست به اعتراض زدند. اما پولیس رژیم مزدور به بهانه اینکه بعضی از کارگران معترض می خواسته اند بالای خانه رئیس کود و برق حمله نمایند، علیه کارگران دست به خشونت زده و به زد و کوب و دستگیری آنها پرداخت و حرکت اعتراضی کارگران را سرکوب نمود. ما در عین حالیکه از خواست بر حق کارگران کود و برق مزار قاطعانه دفاع می نمایم، اقدام سرکوبگرانه پولیس رژیم را نیز به شدت محکوم می کنیم. ما خواهان پایان یافتن هر چه زودتر وضعیت ناگوار کارگران کود و برق و خانواده های شان هستیم.

هسته کارگری مبارز افغانستان

پنجم سرطان ۱۳۸۸

مبارزات مردم ایران را قاطعانه حمایت می کنیم

و

جنایات جمهوری اسلامی را به شدت محکوم می نمایم

با سلام و درود به ملت آزادیخواه و مبارز ایران! ما آزادیخواهان افغانستان، بخصوص کارگران مبارز افغانستان، با تمام توان از مبارزه شما ملت آزادیخواه ایران علیه جمهوری اسلامی و جنایاتش حمایت می نمایم. ما در همسایگی شما و در کنار شما عزیزان مبارز، بخصوص کارگران و دیگر زحمتکشان ایران، تا رسیدن به جامعه کاملاً انسانی مبارزه می نمایم. ما دوشادوش شما عزیزان برای نابودی همه ستمگری های موجود ایستاده ایم. ما جنایات جمهوری اسلامی ایران، بخصوص جنایات اخیر این نظام ستمگرانه را در سرکوبی اعتراضات بر حق مردمی به شدت محکوم می نمایم. یقین کامل داریم که سرانجام مردم مبارز ایران قادر خواهند شد این نظام ستمگرانه را سرنگون نموده و یکجا با سائر مردمان مبارز جهان بطرف ایجاد یک جامعه جهانی کاملاً انسانی حرکت نمایند.

هسته کارگری مبارز افغانستان

ششم سرطان ۱۳۸۸

جواب به نامه های رسیده

دوستان عزیز سلام بر شما

مشکلی دارم که میخواستم با شما در میان بگذارم، جریان انتخابات است، به هر جا که صحبت از انتخابات بالا می آید نمیتوانم ساکت بنشینم زیرا به این اعتقاد رسیده ام که کشور ما اشغال شده و دولت آن دست نشانده هست هر کسی که روی کار آید نمیتواند منافع ملی کشور را به غیر از منافع اربابان اشغالگرا تامین کند به این ارتباط باید به صراحت لهجه این انتخابات را تحریم کنیم. به پای تحریم آن برویم، و مردم را دعوت کنیم تا این تحریم انتخابات را هر چه وسیعتر دامن زنند. اما یک مشکل:

مشکل من این است که هر جا بحث از تحریم انتخابات میشود به هر کسی که میگویم باید آنرا تحریم کنیم در جواب به من میگوید تحریم کنیم که چه شود؟ میگویم بخاطری که شریک وطن فروشی این خائنین نشویم؟ میگوید خوب، این تحریم بعد از آن چه کنیم؟ به کی اعتماد کنیم؟ درین کشور آیا کسی دیگر هم پیدا خواهد شد که بتوان به او باور داشت؟ میگویم بله، میگوید به کی؟ میگویم به خود و اراده خود؟ میگوید برو بابا به خود! اگر ما میتوانستیم این کشور تاحال آباد شده بود؟ ما هیچ چیزی نداریم که بتوان به آن تکیه کرد؟ میگویم مثلا چی؟ میگوید اول رهبری خوب؟ میگویم داریم و هست؟ میگوید کجاست؟ نکنه تو هم دنباله رو کدام جریان سیاسی شدی؟ هر جریان سیاسی را که تاریخچه اش را از نظر بگذرانیم چیزی نداشته به غیر از اینکه مردم را فریب داده و خود را به قدرت و مقام و چوکی رسانیده و آنگاهی که به قدرت رسیده کل مردم را پشت پا زده! میگویم این تعبیر - تعبیر غلطی است که به خورد مردم داده اند باید این مفکوره را از ذهن خود پاک کرد. میگوید غلط به چه خاطر؟ میگویم به این خاطر که ما خیلی کسانی داریم که بخاطر این وطن و این مردم رنج دیده شب و روز در تلاش است؟ میگوید خوب بسم الله! نشانم بده، کجاست و چه میکند؟ اینجاست که بند میمانم و دو راه پیش پایم گذاشته میشود:

- اولین راه این است که دایما پلاتفورم جنبش با من باشد و همینکه گفت کجاست به او بدهم و بگویم بسم الله تو هم بگیر بخوان و آستین را بالا زن و بیا و کار خود را اگر راست میگی شروع کن!

- راه دوم این است که خاموش بمانم و بگویم هست ولی هیچی گفته نتوانم و اصلا راهی نداشته باشم که برایشان نشان دهم؟

اینجاست که به مشکل جدی برخورد نمودم نیازمند همکاری شما هستم.

پیروز باشید

۱۴ سرطان ۱۳۸۸



دوست عزیز سلام های متقابل ما را بپذیرید

نامه پربار شما را خواندیم، حقیقتا از یک طرف درجه اعتقادتان نسبت به تحریم انتخابات سال جاری و از طرف دیگر احساس مسئولیت شما و احساس رسالت شما در قبال وطن و مردمان وطن حائز اهمیت و قابل قدر است، از آنجائیکه نامه شما توسط روابط شما به دست ما رسیده است و از آنجائیکه خودتان عضویت جنبش انقلابی جوانان افغانستان را دارید باید روی چند موضوعی که خودتان در نامه تذکر داده اید مکث نمایم:

۱. علت بی باوری اکثریت جوانان نسبت به خود و اراده شان

۲. برداشت دیگران نسبت به دنباله روی از جریانات سیاسی

۳. پخش گسترده یا عدم گسترده پلاتفرم جنبش انقلابی جوانان یا سکوت محض؟ در مقابل دیگران!

بدین اساس اجازه دهید از جواب به موضوع اول شروع نمایم:

همانطوری که خود بهتر میدانید هر پدیده دارای علت و معلول مشخص خود است. در ارتباط به اینکه حرف شما چرا در همان محدوده ای که خود قرار گرفته اید و نه فراتر از آن شنونده ندارد بر میگردد به بی باوری جوانان نسبت به خود و اراده خود. جوانان کشور ما در طی تاریخ ۱۶۹ ساله (از آغاز حمله انگلیس به افغانستان و اشغال این سرزمین تا حال) از اوضاع سیاسی - فرهنگی - اجتماعی بطور اخص سیاسی عقب ننگه داشته شده اند. این عقب ماندگی خواسته و ناخواسته تاثیرات منفی خود را بالای تمامی اقشار جامعه گذاشته است که قشروسیع جوانان نیز شامل آنست. در میان جوانان گاهی دیده میشود که این بی باوری ها حتی به سرحد جنگ و منازعه نیز کشیده میشود و نه تنها به نتیجه ای نیز منجر نمیکرد بلکه آنرا بیشتر خراب میسازد. اگر ما بخواهیم بر تمامی مشکلات جامعه مستعمره - نیمه فئودال افغانستان فایق آییم باید سطح بینش خود و اطرافیان خود را ارتقاء دهیم زیرا بدون یک دیدگاه انقلابی و آگاهی سیاسی ما نه تنها قادر نیستیم بعنوان یک نیروی آگاه و مبارز در این اوضاعی که مقابل ماقرار گرفته است، قد علم نماییم بلکه از طرف دیگر نخواهیم توانست اعتماد به نفس جوانان را دوباره زنده کنیم. زنده نمودن اتکاء به نفس برای تمامی جوانان از مهمترین موضوعاتی است که باید مورد توجه قرار داشته باشد. جوانان ما باید به خود و نیروی خود اعتقاد راسخ پیدا کنند، باید تمامی جویبار

های نارضایتی و خشم آنان به حرکت در آیند و به سمت و سوی واحدی رهنمون شوند ، تا قوت عظیم مبارزاتی شان در پیوند با کل مقاومت ملی ، مردمی و انقلابی خلق های زحمتکش کشور و به مثابه بخشی از این سیلاب سهمگین ، به حرکت در آید و بر دژ های اشغالگران و دست نشاندهگان شان ، یورش برد و ویران شان سازد" ، بدین اساس توصیه ما به شما این خواهد بود که اگر در صورت امکان با اشخاصی که فوقا بدان اشاره کرده اید روبروی میشوید کوشش کنید از زندگی شخصی شان آغاز نمایید ، چرا که هر شخص نیازمند ضرورت های حداقل اولیه زندگی خویش است . باید به آنها تفاوت های کیفی میان رژیم دست نشانده و یک دولت مردمی که متکی به اراده مردم باشد را نمایان سازیم . باید چشمان بسته را دوباره باز نمود باید به همه جوانب به دقت نظر انداخت و نباید کورکورانه همه چیز را پذیرفت و نباید فریب و نیرنگ مرتجعین رنگارنگ را خورد . اگر این کارها صورت نگیرد خواسته یا ناخواسته زندگی تمام انسانها به بازی گرفته خواهد شد همانطوری که فعلا به بازی گرفته شده است .

راجع به موضوع دوم: این که چرا دیگران چنین بردداشتی دارند که دنباله روی از یک جریان سیاسی را آغاز کرده اید؟ باید یادآور شویم که ما در شرایط فعلی افغانستان با مشکلات فراوانی روبرو هستیم که این مشکلات و بن بست ها ، هرج و مرج فکری را نه تنها در میان مردم بلکه در میان روشنفکران ما بوجود آورده است و اعتقادات رنگارنگی را در وجودشان مجسم نموده است . ما باید بتوانیم توانائی تبلیغ ، ترویج و سازماندهی را در خود تقویت نماییم و بعنوان کسانی که راهنمای عمل مبارزاتی در میدان مبارزه هستند گام های استوار و آهنین برداریم ، صفوف تشکیلاتی مان را مستحکم سازیم طوری که حرف و عمل مان باید با هم خوانائی داشته باشد نباید ادعای مان صرف در حرف باقی بماند . اگر حرف ما در عمل پیاده نشود نه تنها موفق نخواهیم بود بلکه مردم نیز حق دارند برایمان بگویند دنباله روی فلان جریان سیاسی .

خلاصه کنیم مبارزه سیاسی در یک جامعه طبقاتی امری میکانیکی نیست و بطور عمده یک امر ادبی و آگاهانه محسوب میگردد . آن کسانی که در مبارزه سیاسی متزلزل و مردد باشند و یا اینکه منافع شخصی اش بر منافع اجتماعی ارجحیت داشته باشد ، دیر یا زود در مقابل موج مشکلات و سختی ها و یاد برابر طولانی شدن مدت مبارزه خسته شده و صحنه را خالی میکنند .

وفاداری به مبارزه سیاسی نیاز به خصلت هایی دارد که کسب و حفظ آنها آسان نیست و نیازمند آگاهی ، کارفکری ، هوشیاری و مراقبت است . خصلت هایی که یک انسان مبارز بعنوان گنجینه گرانبها از آن مواظبت کرده و نمیگذارد که رفاه و لذت زندگی عادی و منافع شخصی آنرا دستخوش قلب ماهیت کند .

بدین اساس پایدار بودن در میدان مبارزه سیاسی در افغانستان که بهای این اعتراض ما بسیار سنگین است نیاز به انگیزه هایی دارد که باید مورد توجه و تقویت هر چه بیشتر نیروی انقلابی کشور قرار بگیرد . مهمترین این انگیزه ها همدردی بادیگران است و اینجاست که تفاوت کیفی میان یک انسان مبارز و یک انسان غیرمبارز بوجود می آید . زیرا یک انسان مبارز به واسطه درک خویش درد دیگران را احساس نموده و آنرا درد خود میدانند و رنج دیگران را رنج خویش میابد . اما عادی شدن رنج و محنت و بدبختی دیگران گام اصلی تبدیل شدن به انسانی غیرمبارز است .

و راجع به جواب موضوع آخر ، پلاتفرم جنبش انقلابی جوانان افغانستان بیان فشرده تمامی جوانان درد دیده و رنج کشیده افغانستان است که باید به دسترس تمامی اقشار جامعه قرار بگیرد اینکه ترس و وهم ما را فراگیرد کار خوب نخواهد بود . زیرا " جنبش انقلابی جوانان " عمیقا باور دارد که جنبش انقلابی خلق های افغانستان ، منجمله جوانان ، بخش تفکیک ناپذیری از جنبش انقلابی خلق های جهان ، به شمول جنبش انقلابی جوانان در جهان است و برین پایه به اصل همبستگی بین المللی جنبش انقلابی جوانان در جهان ، به مثابه یک اصل مهم مبارزاتی می نگرد و برای تحکیم و تقویت هر چه بیشتر آن مبارزه می نماید . یکی از قوانین نافذ بر طبیعت این است که در پروسه تاریخی معین یک نیروی کوچک میتواند سریعا نیروا نباشد کند ، جهش وار بزرگ شود ، به شرط آنکه استراتژی ، آرمان ، و دورنمایش را رها نکند در غیر آن اگر یک جنبش انقلابی آرمان و دورنمایش را به اسم تغییر شرایط رها کند ، اگر استراتژی اش را کنار بگذارد و بنام آنکه امروز بایستی با مردم همراهی کرد در حالیکه اوضاع چیز دیگر را طلب کند ، آنوقت حتی اگر نیرویش بیشتر شود ، هر چند جهش کمی نماید و هر چند بزرگ گردد دیگر آن جنبش انقلابی اولیه نیست و نخواهد بود بلکه تبدیل به چیز دیگری میشود .

تنها با باور آگاهانه ، شجاعانه و عمل گرا به آرمانی عمیق و اصیل ازین دست است که میتوان در جهان امروز یک مبارز واقعی به شمار رفت .

پیروز باشید

هسته کارگری مبارز افغانستان به فعالیت آغاز کرد .

آدرس وبلاگ هسته کارگری مبارز افغانستان

www.kargaranafghanistan.blogfa.com

تحلیل و ارزیابی

کامره های امنیتی در سطح شهر کابل

هر روزی که از عمر رژیم منحنی میگذرد ، فشارهای اجتماعی جوانان افغانستانی را بیش از پیش در تنگنا قرار میدهد .
صفحه ۱۰

سرنوشت معلم در گرو آزادی کشور

این اعلامیه به مناسبت سوم جوزا (روز معلم) از طرف جنبش انقلابی جوانان افغانستان در بیشتر مکاتب کشور پخش گردید که درین شماره به چاپ مجدد آن اقدام نموده ایم .
صفحه ۱۷

گرامی باد اول می روز جهانی کارگر

اعلامیه ی که بمناسبت روز کارگر از طرف جنبش انقلابی جوانان افغانستان در چندین ولایت افغانستان بصورت گسترده پخش گردید .
صفحه ۱۸

دولت پوشالی تجاوز به زنان را

قانونی میسازد!

قانون به اصطلاح ، احوال شخصیه تشیع در ماه دلو سال گذشته در مجلس
صفحه ۱۱

پیام تبریکی به فعالین " هسته کارگری مبارز افغانستان "

صفحه ۱۹

گزیده شعری از داود سرمد

صفحه ۱۲

ترجمه متن کامل

اعلامیه مشترک روسیه و ایالات متحده امریکا در مورد افغانستان

روز دوشنبه ۱۵ سرطان ۱۳۸۸ مصادف ...
صفحه ۱۳

کارگران افغانستان باید مستقلانه متشکل شوند * هسته کارگری مبارز افغانستان *

صفحه ۲۰

مطالبات برحق کارگران کود و برق مزار را حمایت می نمایم * هسته کارگری مبارز افغانستان *

صفحه ۲۱

گزارشی از

تظاهرات محصلین دارالمعلمین ولایت بامیان

صفحه ۱۴

محصلین دارالمعلمین

مبارزات مردم ایران را قاطعانه حمایت می کنیم و جنایات جمهوری اسلامی را به شدت محکوم می نمایم * هسته کارگری مبارز افغانستان *

صفحه ۲۱

گزارشی از زندان پلچرخی کابل

زندان پلچرخی کابل در حومه شرقی شهر کابل موقعیت دارد و در دهه ۱۹۷۰ میلادی ...
صفحه ۱۵

جواب به نامه های رسیده

صفحه ۲۲

نشانی های جنبش انقلابی جوانان افغانستان

وب سایت جنبش انقلابی جوانان افغانستان تحت کار میباشد نشانی تازه وبسایت به زودی به دسترستان قرار خواهد گرفت

پست های الکترونیکی (ایمیل آدرسها) :

نظرات - پیشنهادات و انتقادات تان را به این ایمیل آدرسها به ما ارسال بدارید :

paikarejawan@gmail.com

basoye@hotmail.com

soray1364@yahoo.com

